



نتایج انتخابات ویپی آمده‌های آن

از بحران موجود را از یکسودر حل نشاند - های درونی حاکمیت بمنظور دست یابی به حداقل انسجام درونی و از سوی دیگر توسل به دیکتاتور آنگا روسلایب بقیه در صفحه ۲

گسترش و عمق یابی بحران سیاسی، رشد روزافزون نارضا یی عمومی و گسترش اشکال مبارزات آشکار و پنهان شده‌ها با شرایط دشوار و سخت بحرانی روبرو شده بودند، سرانجام تنها راه‌های فوری

انتخابات دوم مرداد کمیند لایب سیاسی تسلیماتی برای رژیم جمهوری اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود، زیرا نرسید، سران جمهوری اسلامی که دنبالن تشدید تظاهرات درونی هیئت حاکمه

شرایط نوین، سازماندهی نوین

رفقا! دوران خاصی را میگذرانیم. از یک طرف ضد انقلاب حاکم عزمش را جزم کرده است تا بهر قیمت که شده برنا می‌یابد. راه اجرا در آورده ماها قبل (بهمن ماه ۵۹) بتمویب رسانده بود (اشاره به سند افشا شده در کار شماره ۱۱۰) و مبارزه‌ها در طبقاتی و تضادهای درونی فرصت پیدا کرده کردن - آن را بوی نداده بود. و اکنون که از شر جناح مخالف راحت شده است میکوشد و تلاش گسترده‌ای را آغاز کرده تا انقلاب را بسکلی در هر کجای، با بیس کشاکش خاتمه دهد، "نظم" را برقرار سازد و بیدغدغه و فارغ از افشاگریهای وحشتناک (!) گروههای سیاسی به بستن قراردادها بپردازد و زود نظام سرما به داری وابسته را با زسازی کند. از طرف دیگر یک دوران انقلابی را میگذرانیم. بحران اقتصادی - سیاسی و اجتماعی آنچنان حاد و عمیق است که احیای مجدد مبارزات توده‌ها کاملاً بدیهی است و اعتراضات و اعتصابات وسیع و گسترده توده‌های در چشم انداز نزدیک کاملاً محتمل است. بقیه در صفحه ۷

خمینی چه گفت؟ خمینی چه کرد؟ (۲)

صفحه ۱۳

رژیم جمهوری اسلامی دیکتاتوری ارتجاعی یا دموکراسی انقلابی (۲)

ما در شماره گذشته به تشریح با فنیهای رهبران اکثریت درباره قدرت حاکمه اشاره نمودیم و گفتیم که آنها با تحریف حقایق آشکار، ما هیت و خصلت قدرت حاکمه را دگرگون جلوه داده و آنرا دموکراسی انقلابی معرفی می‌کنند و از این طریق به توجیه سیاستهای آشکارانه خود می‌پردازند. البته آنها تا کنون تحلیل کاملی از ترکیب، خصلت و ما هیت قدرت حاکمه ارائه نداده اند و هیچگاه بطور جامعی بقیه در صفحه ۶

لایحه احزاب در کنار رژیم جمهوری اسلامی به پایگانی تاریخ سپرده خواهد شد

مجلس طی دوسه جلسه، رسیدگی به طرح لایحه احزاب را که توسط حزب جمهوری اسلامی تدوین شده بود خاتمه داد و در ۱۸ شهریور ماه با ۱۱۱ رأی موافق آنرا بتمویب رساند. این قانون در شرایطی بتمویب می‌رساند که جامعه از یکسویا بحران اقتصادی - اجتماعی ژرفی روبروست و بقیه در صفحه ۱۸

کارگران چه میگویند؟

صفحه ۳

در این شماره

● جنبش جهانی

● حمایت از ایرلند فریبی دیگر

● کشتار و سرکوب انقلابیون...

● از اعلامیه ها... کارگران پیشرو

نوطه‌های صهیونیست‌ها، امپریالیست‌ها و ارتجاع عرب در نابودی جنبش فلسطین محکوم به شکست است

های بنا هندگان فلسطینی را در جنوب لبنان زیر آتش توپخانه‌های دوربرد و بمبارانهای شدید قرار داد. رژیم اسرائیل با حملات گسترده به مناطق مسکونی، ساختمان دانشکده مهندسی دانشگاه عربی بیروت، بالایشگاهها و از جمله زهرانی و ارتفاعات اطراف آن، قصد داشت از یکسویه هدف نهائی اش که خلع بقیه در صفحه ۱۵

پس از شکست طرحهای نوطه‌گرا نیه امپریالیستها که در قالب ما موریت فلسطین حبیب نما بینده و یژه رنگان در خاور میانه شکل گرفته و مشخصاً "سرکوب انقلاب فلسطین و نفی حقوق این خلق رزمنده" را هدف قرار داده بود، از دو هفته پیش رژیم صهیونیستی اسرائیل بکمک تجربه ظلمت ان لبنان برهبری سرکرد مزدور سعد حداد، با ردیگرده‌ها، شهرها و اردوگاه

مرگ بر حزب جمهوری اسلامی زنده باد شوراهای انقلابی پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان

نتایج انتخابات و...

بقیه از صفحه ۱

ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای سیاسی توده ها یا فتنه بینا بر این بمنظور تحقق این سیاست از یک سو به طرد تنه لیبرال ها از حاکمیت، از جمله عزل بنی صدر از ریاست جمهوری و از سوی دیگر سرکوب توده ها، با زداختن و خراجگرگان، دستگیری و اعدام انقلابیون پرداختند. این اقدامات سرکوبگرانه و توطئه گرانه رژیم جمهوری اسلامی که بیانگردد فقدان پایگاه توده ای، با اعتباری - روزافزون و ناتوانی آن در حل بحران کنونیست، موجب خشم و انزجار توده های میهن ما و زخمی گشته و موجب اعتراضات جهان را برانگیخت، موج اعتراضات از همه سو بر سر رژیم باریدن گرفت و آنرا در سطح داخلی و جهانی با بی اعتباری - روزافزونی روبه روست. مجموعه این شرایط رژیم را آداشت که تا بدینوا نند از طریق انتخابات برای خود وجهه و حقیقتی کسب کند. رژیم در این انتخابات کوشید تا اولاً چنین وانمود کند که بسر کناری بنی صدر از ریاست جمهوری ته طبق یک توطئه حساب شده حزب جمهوری اسلامی و خمینی، بلکه بنا به میل و اراده انقلابی توده های مردم و بدست آنها صورت گرفته است، و ثانیاً سرکوب نیروهای انقلابی موجب اعدامها، با زداختن، خراجها و خلاصه برقراری رژیم ترور و اختناق شده ناشی از رعب و هراس و فقدان پایگاه توده ای رژیم، بلکه دقیقاً "از خواست توده های مردم" ناشی می شود. در یک کلام هدف رژیم از انتخابات اخیر این بود که به جهان نشان اعلام کند، رژیم میمورد - اعتماد توده ها است و با تکیه پایگاه توده ای (یعنی همان آرائی که مبنی با بستی از صندوقها رای بیرون آورده شوند) از توانایی و ثبات قابل ملاحظه ای برخوردار است. طبیعی است در چنین شرایطی همانگونه که قبلاً نیز بدان - نشان آورده کردیم مبنی بیش از ۹۰ درصد آراء از صندوقهای رای بیرون آورد. اکنون پس از گذر این مقدمات بیسه چگونگی سرگزاری انتخابات، شیوه های رژیم و بی آندهای آن پیرا رژیم.

هیئت حاکمه از همان نخستین روز های اعلام سرگزاری انتخابات، تمام مکانات مادی و معنوی، تمام مکانات تبلیغاتی و سرکوبگرانه، تمام حیلها و وسایل آنها را خدمت گرفت و به وسیله ای متوسل شد که بیشترین نیروی ممکن را برای شرکت در انتخابات بسیج کند.

آیت الله خمینی یکماهه بسیج از انتخابات با صدور یک فتوا، شرکت در - انتخابات را وظیفه شرعی قلمداد نمود و از همه مسلمانان ایران خواست که در - این انتخابات شرکت کنند. این فتوا - اضطرریترین حربه تبلیغاتی رژیم طی یک ماه گذشته بود. سایر مراجع تقلید نیز به دنبال فتوای خمینی، فتاوی خود را مبنی بر اجباری بودن شرکت مردم در انتخابات صادر کردند. رادیو - تلویزیون تبلیغات وسیعی را حول فتاوی "مراجع تقلید" آغاز کردند و تریبیونهای نمازهای جمعه و ائمه جماعت نیز بیکار گرفته شده ضمن بر شمردن "معاصی" عدم شرکت در انتخابات و سرپیچی از فرمان "نایب امام" و مزایای شرکت در آن، شتاب و تندیبوی و اخروی آن - پدیدار شدند، تا شاید با تکیه بر احساسات مذهبی توده ها بیکار ردیگر آنها را بیای صندوقهای رای بکشانند. روز انتخابات نیز درست پس از ۲۱ ماه رمضان انتخابات تا احساسات مذهبی توده ها به آخربسیج درجه برانگیخته شود، گویا رژیم نیز به خوبی درک کرده است که حتی خمینی نیز

دیگر چندان وجهه، اعتبار و آبروی نزد توده ها ندارد و تنه مذهب است که تا بسد بنوا نشیناری گرفته شود. رژیم که هنوز مرکب قرارداد های جدیدش با امپریالیستهای انگلیس، فرانسوی و ژاپنی خشک نشده است و تاکنون چندین میلیارد دلار اسلحه و مهمات از امپریالیسم آمریکا وارد کرده است دوباره شعارهای مرگ بر امپریالیسم و مرگ بر آمریکا بیادش افتاد، تا شاید از این طریق نیز بخشی از توده ها را بدینحال خود بکشد، با لایحه کارجائی کشید، که "انقلاب سوم" علیم شد.

تمام مکانات تبلیغاتی موجود، رادیو، تلویزیون، مطبوعات، مکانات چاپ دولتی و خصوصی، گروههای سازمان یافته بسیج، ماشینها و بلندگوها دولتی و دست آخرومیلیتاریستهای ارتشی - که برای پخش اعلامیه بیکار برده شدند - همه و همه بکار افتاد تا با سیلی از دروغ و فریب، تهدید و تطمیع مردم را بیای صندوقها برای بکشانند.

اما این تنه حربه رژیم نبود: جسورانه و با عتاب، با زداختن و رگشترهای دستجمعی، خراججویا زداختن رگران و دیگر نیروهای انقلابی، خا نه کردی، ممنوعیت انتشار هرگونه نشریات مخالف هرگونه میتینگ، نظا هرات، راهپیمائی و بطور کلی تبلیغات مخالفین، اختناق کامل و محک ترا همه حذف کاندیدا های خیانتکاران حزب توده و جناح راست اکثریت و حتی شایعه سازی، حربه های دیگر رژیم بود.

کارخانجات تا بیسه سازی رژیم بیکار افتاد "گرفتار" ما به مهر خورده کوبیدن نمی دهند"، "گرفتار" ما به مهر خورده از کار خراج می کنند"، "گرفتار" ما به مهر خورده مدارس ثبت نام نمی کنند"، "گرفتار" ما به مهر خورده ترین شیوه ها متوسل شد، جیره خواران را نیز در آزارات، کوجه و خیا با نسا و کارخانجات و محلات موظف نمود تا این تا بیسات را دامن برزند. از یکماه قبل از انتخابات در موارد متعدد، افراد دیکه به بیسه های مختلف به کمیته، اداره - سیاسی - ایدئولوژیک، انجمن اسلامی فرا خوانده می شدند مهرهای قلبی شناسنامه شان کنترل می شود این خود یادآوری - لزوم مهری بود. رژیم بدینصورت - شده ها را که با فقر و فلاکتی خانمانسیر اندازدست بگیرد تا در زیر شدیدترین فشارها قرار داد. از سوی دیگر دست مزدوران بی جیره و مواجب رژیم - ساز نهاده شد تا مگر خیانتکاران اکثریتی راست و توده ای بنوا نشین در فریب مردم، و در بیای صندوق کما نمیدان آنان موثر افتند، غافل از اینکه این خا نشین نیز به انداز رژیم رسوا و منفور توده ها - یند. تمامی این فرندها کافی نبود، میبایست تعداد درای دهندگان را تا می توان بیشتر کرد، طرح لایحه بیکار افتاد مردم در رژیم در مجلس آنرا تصویب کردند و پس از اینها در ۱۵ سال تقلیل داده شد. بهررو، زور و زور و زور، با سر و با دومه و خورشید و فولک همه، بیکار گرفته شد تا مگر اینبار نیز حضور توده ها در بیای صندوقهای رای سرشنا ستا به خیانت و سرکوب رژیم مهری بزند.

رژیم بدینطریق مقدمات انتخابات ریاست جمهوری و تکمیل نمایندگان - مجلس شورای - که از سرتاسر و از وحشت ترکار تحریه مفتخا نه انتخابات میان دوره ای اینبار هم زمان سرگزارگشتند، فراهم آورد.

هم رژیم و هم توده ها نتیجه ای از آرایش میدا نستند، نتیجه از قبل برای همه روشن بود "رای های میلیونی"، -

استقبال وسیع و همه جا نه، حضور فعال و دشمن شکن در محله "آراء" بیسه بقسائی که به "اسامت همیشه بیدار" و بدست سردمداران و مزدوران شان در صندوقها ریخته شده و با لایحه کاندیدا های مورد نظر حزب، همه چیز را قبل روشن بسود چنانچه رجا ئی نیز بدون کمترین دغدغه از هفته ها پیش برتا به بیای که در نوبت موعود ریاست جمهوری بیای ده خواهد کرد عیان نشمیرد و با بقول معاون وزارت کشور که در روز دوم مرداد در رای دیوی گفت "۴۰ میلیون نفره انتخاباتی آراء ل کرده ایم اما کم آمده است". مساله تنها بر سر حضور بیای عدم حضور توده ها در بیای - صندوقها بود پس، رژیم تنه ها خواستش این بود که بیای صندوقها خالی نمانند و از اینرو نیز مساله مهر خوردن شناسنامه را آنچنان عمده کرد که حتی رستا خیزان نیز نتوانند بیای، و از اینرو کار خا تسی به تهدید علنی از طریق بسیج محلات و از طریق مساجد و ملائزه را نتوانند "اگر - رای دهید، شناسنامه می شود" و عواقب بدش نیز از زور و زور تراست. در برخی موارد زنا حزب الهی در مرحله های خود به منزل رجوع کرده و از زنا ن محله مسی خواستند که دستجمعی در انتخابات شرکت کنند. و حتی در روز آخر نیز وزارت کشور در بیای توده ها "اسامت همیشه بیدار" - خواست تا به رای دادن "گفتا نکنند" و در بیای صندوقها بنوا نشینان حفاظت کنند، بهر حیلها میبایست از حاکم سیاسی صندوق را ایجا کرد و از اینجهت رژیم به حیلها ای متوسل شد تا در بیای توده ها در شهران از سوی نهاد صندوقها را به حدود ۲۰۰۰۰۰ عدد (۱۹۶۵ عدد) آراء نتاخلوت بودن بیای صندوقها را به بیای تعدادن - بنهاد ما از سوی دیگر اکثریت قریب به اتفاق صندوقها را در محلات شمال به سر متمرکز ساخت و تعداد معدودی را به جنوب شهر اختصاص داد تا بدینطریق بنوا نشین با فیلمهای تبلیغاتی اش بقبولاند که "کو خ نشینان" هنوز هم ما می رژیمند.

بهررو انتخابات سرگزار شدند، انتخاباتی که حتی در آن به توده ها اجازه داده نشد تا از میان سرکوبگران خود، یک تن را برای ۴۱ سال انتخاب کنند، تمام می گاندیداها که از یک حزب بودند پس - انتخاب نیز از پیش آنجا گرفته بود، - حزبی بودن کاندیداها این ویژگی را نیز ایجا د میگرد که حزب سرکوبگر، بشکلی مطلق العنان تمامی کارها را در دست داشت از تهیه و تدارک تا نظارت و شمارش آراء و تا انتخاب ائمه ها. انتخاباتی که در آن افراد تا ۱۵ سال مجاز به رای دادن بودند اما بسیاری ده سالگان نیز رایگیری شدند. و آنچنان وقیحا نه که در فیلمهای تبلیغاتی تلویزیون نیز حضور آنان کتمان نشده بود - انتخاباتی که رای دادنش نیز از بیسه "شنا ستا به عکس - دار" داشت اما بسیاری از بیسه شنا ستا به بیسه شنا ستا به همسر، با کارت شنا تائی و حتی با گروهها دن ریشا رای دادند، و با رها نیز رای دادند - انتخاباتی که در آن هرگونه "اعمال نظرا" فراد دست اندکار - ممنوع بود، اما در حوزه ها علنا "رای - دادن به رجا ئی نه تنها تبلیغ میشد، بلکه به حد اجبار رسیده بود. انتخاباتی نه تنها تک حزبی، بلکه تک مهره ای

بی تفاوتی و عدم استقبال توده ها از انتخابات

اما توده ها تمامی این حیلها و ترفندها را به ریشخند گرفتند. توده ها

کارگران چه می گویند؟

کارگری میگفت: "من بعد از آنجا رخیلی ناراحت شدم" میپرسند چرا جواب می دهد: "چون این جها رو بنظر فردی گرا تجا نبودند و نمردهند اگر اینها هم میمردند نورعلی نور میشد."

"اینها خون جوانان ما را ریختند این خونها با لایحه ما جبارا رو دیدید کسه انتفا گرفت."

۱- آخراج و دستگیری: از هفته اول تیر موج آخراج در کارخانه ها شروع میشود. - انجمنهای اسلامی فرصت پیدا می کنند با استفا ده از جوی که حزب بوجداً ورده - کارگران را که از مدتها قبل شنا ساشی کرده اند برای دستگیری به سپاه یا سداران بدهند. در اینصورت تعداد زیادی از کارگران آخراج و دستگیری میشوند. در بعضی موارد - در یک روز حدود ۱۵۰ - ۲۰۰ نفر را پاسد - ارا ن دستگیری میکنند. افراد انجمن اسلامی به قسمتها آمده و هر کس را کسه چشمنا را با یکربدا خود میبرند و به سپاه تحویل میدهند.

تحت تا تیر جو عمومی و ترس از زیکاری - اعتراضات یکپارچه و مقابله با افسان - اقدامات رژیم سبدرت صورت میگردد.

۲ نمونه از اعتراض کارگران به آخراج و دستگیری:

۱- در کارخانه پارس الکترونیک در هفته اول تیر افراد انجمن اسلامی در کارخانه شهران متحصن شده و خواستار آخراج و دستگیری کارگران پشرو میشوند. بعد از ۳ ساعت تحصن آنها حکم آخراج ۱۵ نفر از کارگران زده میشود. بعد از پخش خبر - کارگران به حمایت از آخراج جیها دست از کار کشیده و برای اعتراض به دفتر شور - میروند. شما بندگان شورا کارگران را - تهدید می کنند. کارگران آن روز از کار کردن خودداری می کنند و در نتیجه ۱۵ نفر از طرف سپاه برای بازرسی به دادستانی برده میشوند. همچنین در ۴/۱۴ در - کارخانه کرچه شیوه ای که در تهران عمل شده بود حدود ۱۵۰ نفر از کارگران و - کارمندان دستگیری میشوند. کارگران با امضای طوماری خواستار آزادی همکاران خود و با زندگین آنها بسرکار میشوند.

۲ - در بنزخا ورکارگران به دستگیری نما بینده شورا و تعدادی از همکاران خود شیدا "اعتراض کرده و خواستار آزادی آنها میشوند. آنها ضمن تهیه طوماری برای آزادی همکاران خود، تهدید می کنند که در صورت آزاد شدن آنها، اعتصاب خواهند کرد.

۳ - انتخابات ریاست جمهوری و مجلس در ۲ - ۳ هفته اخیر حاکمیت که از سی اعصاب ترسین بوده ها با خیانت برای تحمیل یکی از افراد مکتبی افسه عنوان رئیس جمهور به مردم تبلیغات کرد کننده ای را در رادیو، تلویزیون و روز - نامه های وابسته شروع کرده است. خمینی هم با "واجب و شرعی" تمدن انتخابات سعی دارندها دینسری رای برای دادن وادارد. با توجه به تبلیغات و فتاوی - آیت الله ها کارگران اکثرا "معتقدند که چه آنها رای بدهند و چه بدهند راجا سی رئیس جمهور میشود. خمینهای کارگران نشان میدهند که اگر چه تحت تاثیر خفنا و آراغاب و در نهایت برای مهر خوردن - ستا ستامان عده ای از آنها در انتخابات شرکت خواهند کرد اما اصولا اعتقادی به حاکمیت و این انتخابات نمانی ندارند.

در تولیدارو کارگران "داروشی ۲" خرسر خوردن یک کارگر هوادار سازمان بیکار را ضمن فروش شتر به برای هم نقل کرده و او را ویشنیما می کردند. نقل قول از کارگران:

اینها روی شاه را هم سفید کرده اند: بعد سلطان سیور سالها در زندان رژیم شاه بود. شاه حرارت نکرد و او را کشتند اما اینها با سی شرمی او را کشتند.

یک کارگر در آروپش: "کجا دنیا دیده اید دختر ۱۳ ساله را اعدا میکنند. شاه هم جوانان مردم را اعدا می کرد این رژیم جوانها را اعدا میکند چه فرقی بین ایندو هست. چون این اسم خودش را "جمهوری اسلامی" گذاشته با بدقولش کنیم! اگر اسلام می گوید که اعدا دختر ۱۳ ساله و شکنجه دختران و سران درست است، من میخواهم مسیحی یا کمونیست شوم. بخدا قسم ما کارگران هنوز قدرت خودمان را نمیدانیم، ما نمی دانیم اگر با هم با شیم چه کارهای میتوانیم بکنیم.

یک کارگری فاریبی: "خمینی روزی که به ایران آمد گفت شاه برای ما فقط قهرستان درست کرده حال خود... هر روز - میگوید اعدا می کند اگر اسلام این است من کار هستم.

کارگری ضمن اشاره به بنطق خمینی کسه میگفت انقلابیون را لودیدید: "خمینی میخواهد مردم را بجان ما بینداند از کسه دستور است که هر روز خواهان ویران دران ما را اعدا میکنند.

ج - انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی: صبح روز بعد از انفجار کارگران بسیار - خوشحال هستند به هم تبریک میگویند، در - یکی دو مورد نقل سخن می کنند با هم شوخی می کنند و در موردی به ریشخندا فرادانجی اسلامی میراد زید. اما با تشدید جو آراغاب درجا معده در سکوت فرورفته و از اظهار نظر مریح و مشخص خودداری می کنند. اما این سکوت نیز تا شیدا میزاست. در مورد علت انفجار نظرات گوناگونی دارند. تعدادی میگویند "کار خودشان است، این چند نفر - منظور فتعنا سی - راجا سی - آیت و ... که قبل از انفجار از سائن بیرون آمده اند، در صدم گذاری دست داشته اند. خودشان با هم اختلاف داشته اند. مواردی سیزه نیروهای انقلابی نسبت داده و نقاص خون جوانانی میدانند که جمهوری اسلامی اعدا کرده است."

در سرق شهران عده ای از کارگران بهم تبریک میگویند یکی از کارگران ضمن ناخندای عمل و نسبت دادن آن به سروه ای انقلابی میگفت "اگر این سازمانها با هم یکی نبود و جلوی این رژیم بیما دکی سگند این رژیم همه ما را میکشد."

یکی دیگر از کارگران با حنده میگفت: "با من شوخی نکنید چون سه از سسر عموها بم مرده اند. پهنی، سوری و محمد رسکو.

نوسته زیر بررسی نظریات کارگران در مورد مسائل مختلف: حاکمیت، اعدا م انقلابیون، انفجار دفتر حزب جمهوری - اسلامی، آخراج جیها و انتخابات ریاست جمهوری است. این بررسی شامل نظریات کارگران پشرو و عمدتا کارگران ماند است.

الف - سر خوردن حاکمیت: با آنجا کسه کارگران بیشترین سو هم را نسبت به خمینی داشته اند و آخرس و مهم ترین جیره جمهوری اسلامی است که کارگران در پیرویه حرکت همه ما هیش بی برده اند. اکثر صحبتها ی کارگران حول کفنه ها و کرده های او دور میزند:

کارگری بعد از عزل سید روسط خمینی میگوید: "مگر خمینی میگفت که میزان رای ملت است پس چرا او را براندم میبرند؟" این خمینی خیال میکند که خودش بود که شاه را بیرون کرد که با سندر منم منم می کند پس مردم چکاره بودند هنوز روی دیوارها نوشته هر کس بگوید من، این من شیطان است."

ب - سنی صدر که رئیس جمهور مملکت است، پدرش را در آورده و ای حال ما کارگران که هیچ نیشنیما نی نداریم. در این مملکت دویا ره با بهر ازور - گذاشته اند آنها میگویند میزان رای - ملت است. خوب پس چرا به ۱۱ میلیون رای مردم اعصاب نمیشود پس میزان رای ملت نیست، زور است."

"آقا گفته هر کس مخالفت کند دستش را قطع می کنم. اگر بسحوری با ن تمام مردم ایران بی دست من - خمینی میگه همه با پیدا زقا نون حمایت کنند حتی اگر به ضررشان باشد. خوب اگر اینطور بود پس چه مرضی داشتیم انقلاب کنیم فاقون آریا مهربی بوددیگه استقدر کشته پیدا دیم.

"حرفهای آخر خمینی با شاه هیچ فرقی نداشت."

ب - اعدا م انقلابیون: اکثریت کارگران کارگران آگاه - میانی و اقشاری از کارگران نیمه آگاه جیها هائی که به نحوی به انجمن های اسلامی وابستگی دارند - اعدا م انقلابیون را محکوم می کنند زیرا اعدا م رفیق سلط شور همه جا می بیجد و سابقه مبارزاتی او و این دهان بدهان در رژیم شاه در زندان بوده است که با اعدا م میگردد. اعدا م دختران ۱۳ - ۱۴ ساله و اقرا رو قجانه آیت الله کیلانی و لاجوردی به این امر نفرت کارگران را برمی انگیزد. روریک نشیه بعد از - اینکها سانی اولین سری اعدا شده هل مشخص میشود، کارخانه ها فضای دیگری دارند.

در کارخانه دن با کمر صبح کشنیسه در بعضی از قسمتها عملا کارخواسته است. کارگران شیدا "ناراحت هستند تعدادی کرچه میگویند، اعدا م رفیق سلط سیور را شیدا "محکوم کرده و سابقه مبارزاتی او را نا رژیم شاه برای هم با زکومی کنند.

در صایع هوا بمانی صبح کشنیسه عملا کارگران سیکار بودند. بعضی کرچه می کردند. روزهای بعد گمانهای سفسد سلط سیور دست بدست میکشد.

د - تسلیم کارگران از اعدا م سعید سلط سیور و محبت نکردن او را ریاست سسر عباس آقا کار کارگران را ساسو مال می شناسند.

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

کارگران چه می گویند؟

بقیه از صفحه ۳

یک کارگزار آهن "چه ما در انتخابات شرکت کنیم و چه نکنیم آنها صندوقها را بر می کنند . یک کارمند که اعتقادات شدید مذهبی دارد به هیچکس را نخواهد داد چون اگر کسی رئیس جمهور شود بخصوص مثل رجائی و جنگ و خونریزی راه بیفتد مسئولش من خواهم بود ."

کارگری که قبلاً "ازبنی صدر حمایت می کرد و حالا بیطرف است " رجائی رئیس جمهور می شود ما نه برای مردم ، بلکه برای ما ها شیکه از طرف خودشان برای او در صندوق ریخته میشود . ما از ده میلیون رای دادیم خمینی در عرض یک ساعت بریاد داد . حالا هی زور میزند که رای دادن شرعی است ."

معلوم است که رجائی انتخاب میشود اما با دیدن انتخابات شرکت کرد و رای سفید داد تا شناسنامه مهر بخورد چون ممکن است بعداً "دیت کنند ."

"اگر انتخابات مثل انتخابات حزب - رستا خیزا جاری باشد من به کسی رای میدهم که اصلاً "احتمال انتخاب شدنش وجود نداشته باشد ."

یک کارگر که خانه با بیرون در انتخاب شرکت نمی کند می گوید زودیا ره بیایم انتخابات کنیم و روز بعد بگویند خائن است ، جانی است ، آتومق هی خودشان برای بنی صدر تبلیغ کردند و روز بعد گفتند : شما اشتباه کرده اید و در خط امام نیست ."

با یاد گرفتن اختلافات حزب جمهوری و بنی صدر ، کارگران در پیروسه بعد از پیام به ما هیئت حزب جمهوری اسلامی پی برده اند . ضمن "سرا زتنقروا نجزا را حزب و عملگردهای ارتجاعی بخاطر مخالفت و ایستادگی بنی صدر در مقابل حزب ، از ایستادگی می کنند . در یک دوره کوتاه بنی صدر سمبل مبارزه با حزب میشود ، اما با عدم مقابله و مقابله و بعد از برگزینش از فرماندهی کل قوا و ریاست جمهوری این ذهنیت بزودی درهم شکسته میشود . کارگران بنی صدر را ترسو و زودل می خوانند و در موازین ریادی بنی میریند که اختلاف او با حزب بر سر کسب قدرت بیشتر بوده نه بخاطر مردم ."

کارگران نفرت خود را از حزب جمهوری اسلامی بصورت کونکون نشان میدهند . مذاکرات مجلس را مسخره میکنند . به اخباری که توسط خاکمیت داده میشود ، اطمینان ندارند که حزب کارگران به اخبار رادیوهای صد انقلابی و خا رجسی گوش میدهند . در چند مورد کارگران حاضر نمیشوند که کمیته های نقدی و جنسی خود را توسط ارتکابهای دولتی برای جنگزدگان و زلزله زدگان بفرستند و نمیمسکینند .

رأسا برای ارسال آنها اقدام میکنند . بفرستادن از انجمن اسلامیها و ج میگرد . کارگری میگوید : "ما با بداول تکلیفان زانما انجمن اسلامی روشن کنیم چون شا انجمن اسلامی درگاه خا نه هست ما هیچ کار نمیکنیم ."

سرکاری بنی صدر روخت و تا حزب در دستگیری ، اعدام و سرکوب ، کلیه مسائل صنفی را تحت الشعاع قرار میدهد همه جا صحبت از مسائل روز است . کارگران دائماً "خبا ری از رفا و وحشیانه با سداران با کسانیکه

در نظرات شرکت کرده یا اعلامیه بخش میکرده اند را برای هم نقل میکنند آنها تشنه اخبار جدید هستند . سران حزب مورد نفرت شدید کارگران هستند . در این میان خمینی نیز که تا بحال میخواست با صحبت های دوپهلویین پزرا بگیرد که گویا ما و او دو جناح کمیت و اختلافات مسائل آنها قرار داده با پشتیبانی مشخص از حزب جمهوری اسلامی ، ما هیئت خود را کاملاً نشان میدهد . سخنرانی خمینی در مورد عزل بنی صدر از فرماندهی کل قوا و تا تا ئیدرای مجلس صنفی بر عدم صلاحیت رئیس جمهور نقش زیاده در ریختن توم کارگران نسبت به او دارد . کارگران او را همدست حزب و شریک جناحیست آن میدانند . در کنار شعارهایی که در مورد سران حزب نوشته میشود ، نام خمینی نیز اضافه میشود . مواردی دیدی کارگران - عکس او را می کشند ."

با شکستن توم کارگران نسبت به بنی صدر کارگران تا میاید "تغییر از با لاله نیروهای انقلابی روی می آورند کارگران اکثریت "صحت از سرگونی حزب می کنند در موازین دی جنگ داخلی را پیش بینی می کنند . این در گفته با شان شنیده میشود که : "ایران مثل لیسان می شود . این حکومت تا ۲-۳ ماه دیگر کارش تمام است . اگر این سازمانها با هم اتحاد داشته باشند میتوانند حکومت را چیه کرده و خود قدرت را در دست بگیرند . کارگران که خود هنوز آماده حرکت نیستند ، چشم به حرکات نیروهای انقلابی دوخته اند . اکثریت در مقابل سرگونی حزب خاکمیت نیروهای انقلابی را مطرح می کنند . ضرورت وحدت نیروهای انقلابی به عین برای کارگران مشخص میشود . یکی از کارگران میگوید : "این کمونیستها با بد اختلافات را کنار بگذارند ، با هم متحد شوند و حزب را سرنگون کنند ."

در این میان حزب جمهوری که به ورشکستگی سیاسی خود پی اعتبار راندن در بین توده ها و در مقابل گرایش توده ها به نیروهای انقلابی پی برده ، به سرکوب و وحشیانه ای دست میزند . با آن تفجیسار دفتر حزب جمهوری و کشته شدن برخی از سران آن ، سرکوب شدید تر میشود . کارگران در مقابل حرکات جنون آمیز حزب هیئت زده میشوند . اعدای سیاسی انقلابیون کشتن بدون محاکمه جوانان ۱۲-۱۳ ساله دستگیری ، اخراج و ... در کارگران اثر میکند . دیگر برای مدتی زحمتها ای دسته جمعی ضری نیست کارگران احتیاط می کنند و بجای کسی که مورد اعتمادشان هستند ، در مورد مسائل روز صحبت نمی کنند . تعدادی از کارگران نا آگاه تحت تا نجر خود موجودیه انجمن اسلامی گرایش پیدا می کنند . ترس از اخراج و دستگیری خود باعث میشود که در مقابل آنها جمعی انقلاب به همکاران مترقی خود عکس العمل قاطعی نشان ندهند . پس از دوسه روز در مورد افکار دفتر حزب - سکوت می کنند . اما این سکوت تا ئید آهیز است از گذشته شدن برخی سران حزب بخصوص بهشتی بسیار رضی هستند ."

تحلیل اوضاع کنونی نشان میدهد که تشدید بحران اقتصادی و عدم توانایی حزب در پاسخگویی به آن ویا حتی ایجاد فرم ، عدم دستیابی کارگران و رجمکشان به خواسته های خوش تشدید توده های طبقاتی را بدنیال خواهد داد . سرری ذهنیت کارگران نسبت به مسائل جاری کشور به عنوان یک فاکتور مهم نشان میدهد که عسر عافیت موقتی در مبارزات کارگران و عدم مقابله متوجه واقع آنها با اقدامات مداخلی خاکمیت ، جنبش کارگری خیرشس نوین را در پیش خواهد داشت ."

رژیم جمهوری اسلامی : دیکتاتوری ارتجاعی

بقیه از صفحه ۶

برای خرید بورژوازی را از سویا لیسیم " ثابت کند . جنبه مترقی و انقلابی خرید بورژوازی در راه برای از نقطه نظرا انقلاب بورژوا - دموکراتیک را - سکوت میگذارد " (لنین انقلاب پرولتری و کاتوسی مرتد - تا کید از ما ست)

در جوامع تحت سلطه امپریالیسم ، دموکراتها یا انقلابی که موافق دموکراسی انقلابی (غیر پرولتری) می باشد متحدین پرولتاریا در انقلاب دموکراتیک و مبارزه برای راه های از قید سلطه امپریالیسم محسوب می شوند . ضرورت اتحاد پرولتاریا با نیروهای مدافع دموکراسی انقلابی از دید لنینیستیک رشد مبارزه طبقاتی و قسط بندی نیروها بر اساس منافع طبقاتی ناشی میگردد . ضرورت این اتحاد از روی خواست و اراده رهبران ، بلکه بنا بر ضرورتهای مادی و عینی رشد مبارزه و صف آراشی - نیروهای طبقاتی است که بطور جدی برای منافع طبقاتی صورت میگیرد ، و " من جهت گیری طبقاتی است که دموکراتها یا انقلابی را در مبارزه ضد امپریالیستی - دموکراتیک بسوی اتحاد با پرولتاریا و طرفداران سوسیالیسم علمی می کشاند ."

دموکراتهای انقلابی بنا به ماهیت و خصیلت طبقاتی شان ، هم طرفدار آزادی و دموکراسی هستند و هم خواهان رها شدن از سلطه امپریالیسم . تحول انقلابی - دموکراتیک در جامعه و خاکمیت دموکراسی سیاسی ، اقتصاد و اجتماعی با منافع طبقاتی آنان سازگار است و به همین دلیل طایف تحولاتی می باشد . هرگاه نیروهای فاقدا این خصیلتها باشد ، دمکرات انقلابی نیست و از دموکراسی انقلابی دفاع نمی کند ، هر چند تظاهراتها یا امپریالیسم نیز داشته باشد . این چنین نیروی نمی تواند از جانب کمونیستها مورد پشتیبانی قرار بگیرد . لنین برای آنکه چنین سرزنش بندی را روشن نماید در باره روش کمونیست ها و انترونا سونال سوم نسبت به جنبش های رهاشی سخن می گوید :

"برخورد درست اینست که این اختلاف را در نظر بگیریم و تقریباً در همه موارد ، اصطلاح "انقلابی - ملی" را بجای اصطلاح بورژوا - دموکراتیک بنامیم . اهمیت این تغییر در اینست که ما کمونیستها فقط زمانه با بد ز جنبش های بورژوا - آزادی بخش در مستعمرات پشتیبانی کنیم و پشتیبانی خواهیم کرد که این جنبش ها حقیقتاً انقلابی باشند و نمایندگان آنها جلوی ما را در آموزش سازماندهی انقلابی دهقانان و توده های استثمارشونده نگیرند . اگر این شرایط وجود نداشته باشد ، کمونیستها با این کشورها با بدیا بورژوازی رفو میست ، که رهبران انترناسونال دوم نیز از آن جمله اند مبارزه کنند ."

لنین برخلاف ایورونویست ها - چونکی بر خورد کمونیستها را یکی از ملاکهای مهم تمیز دموکراتها یا انقلابی از رفو میست ها میداند . و اینکه نمایندگان این رفو میست های جنوی فعلی کمونیستها را در آموزش انقلابی توده های استثمارشونده بگیزند یا نه محکی برای تشخیص ماهیت انقلابی این نیروها و چونکی برخورد با آنها می شمارد ."

قرون

"زندان دیروز، هیئت مدیره امروز"
عنوان اعلامیه ای است که کارگران پیشرو نیتینگ منتشر نموده اند. در قسمتی از این اعلامیه نوشته اند: "دندان مبارزات - کسرتده ما برای سودویزه طبقه بندی مشاغل و حق شغف و... که باعث وحشت دولت سرمایه داری گردید، رژیم تصمیم گرفت که هیئت مدیره لیسرا (هیئت - مدیره قبلی) را با کمک پاداران و شورای ضدکارگری زکا ریکتا روبجای آن - هیات مدیره جدیدی با عنوان مکتبی سرکار آورد تا با کمک انجمن اسلامی بیطور آشکار و روحتیا نه سری به سرکوب ما بر داخته و در سایه حوا ختیاق و زور و تهدید بیستواند ما را بهتراستما بکنند و مانع حرکات اعتراضی ما شود. ویسی از افشای اعضای هیئت مدیره جدید و ذکر سابق هر یک از آنان مینویسد: "باید هشیا را به هیئت مدیره سابق سرکاروانجمن مکتبی با همدستی شورای سازشکاروانجمن اسلامی با ندسیا هی برای سرکوب ما ایجا دکرده اند. تنها راه مقابله با سیاستهای ضدانسانی رژیم جمهوری اسلامی و دست نشاندگان آن از جمله هیئت مدیره مکتبی و مفتخورکارخانه ما، اتحاد دو همسنگی است. با یدیا نکه به اتحادمان اعضای سازشکارو شورا را طرد کرده و شورایی انقلابی با رژیم و از این طریق توطئه های حزب جمهوری اسلامی سرمایه داران را خنثی کنیم."



کارگران پیشرو

اراک

کارگران هوادار سا زمان اعلامیه ای تحت عنوان "کارگران بنگر، بیندیش، بسا خبیل" منتشر نموده اند. در این اعلامیه پس از شرح جزئیات رژیم در هفته های اخیر می نویسد: "اکنون رژیم کسه سیاست منفرجه جمهوری اسلامی ایران حاکم گشته است تا منته سرکوب خود را به کارخانه ها بسنگر همیشه پیدا رما رزه علیه امپریالیسم و سرمایه داری ریکا شده است... دستگیری کارگران و کارکنان مبارزان لومینوم با زنی، ایران جانیدو ما شین با زنی، هجوم به خانه و کارخانه کارگران آگاه در شهر صنعتی، باجساد مزاحمت برای خانواده کارگران شرافتمند همه و همه خیر از جمله سرمایه داران و مزدوران نشان به جنبش کارگری و سرکوب کارگران میدهد. کارگران انقلابی اینک که هجوم سرمایه داران و مزدوران جمهوری اسلامی به کارخانه تشدید شده است: - در مقابل سیاست سرکوب، - دستگیری و خراج کارگران میسارز و همکاران انقلابی خود متحد شده و بسا مقابله بر خیزید - با افشای سیاست های پنهان و آشکار انجمن اسلامی، باند های سایه کارخانه سرمایه داران و دشمنان کارگران مبارزه کنید! - اخیرا مربوط به خراج و دستگیری و ضرب و شتم کارگران انقلابی را به دیگر کارخانه ها و سایر حتمتکشان خراج زکا رخانه برسانید و آنها را نسبت به یورش رژیم به کارخانجات آگاه کنید! - با ایجا دشوارهای انقلابی صفوف خود را در مقابل سرمایه داران و مزدوران وابسته آنها و ضد انقلاب حاکم بکیا رجه و متشکل نما شید!

مشهد

کارگران پیشرو متهدا اعلامیه ای در رابطه با مبارزات منفی کارکنان شرکت برق منطقه ای منتشر نموده اند. در این اعلامیه پس از شرح رگریهای کارگران با هیات مدیره شرکت نما و بی مسکن می نویسد: "دوستان کارگرو کارمندان - ما رژیم اکنون رژیم جمهوری اسلامی دست به گسترش هر چه وسیعتر سرکوب و ایجا دجو خفیان در سرتا سرا بران زده که جمله کسرتده و مدبوجا نه به آزادبها سیاسی و انحلال شورا های انقلابی کارگران... از آن جمله اند. بدببها ست یا او جگیری مبارزات طبقه کارگر علیه سرمایه داری و رژیم جاسی آن، نوک تیز جمله دولت متوجه کارگران و همیاران آن می باشد. پس در مبارزه جهت کسب منافع بر حقمان قاطعانه و مصمم و متحد و یکپارچه تمام می دسیه هنا را در اشکال مختلف، سرکوب و توطئه رژیم سرمایه داری و عواملیش را خنثی نما شیم."

کارگران پیشرو تیرا اعلامیه ای در رابطه با دستگیری و خراج همکاران نشان - منتشر نموده اند. در قسمتی از این اعلامیه چنین آمده است: "مدتی زدسگیری تعدادی از همکارانمان توسط انجمن اسلامی، شورای دست نشاند سرمایه داران و پاداران حزب جما فدا ر جمهوری اسلامی میگردد. در این مدت چندتن نیز خراج و تعدادی شهیدیده خراج و دستگیری شده اند... امروز ما در مقابل آزادی همکارانمان و وضعیت خانواده های آنها مسئولیم و چه بسا فردا خود جزوا خراجیها و دستگیرشدگان با یمیم، با یدبا انحصاد و همبستگی خود و ایجا دشورای واقعی، شورایی که پشتیبان ما کارگران باشد از خراج و دستگیری همکارانمان جلوگیری نمائیم."

شیراز

کارگران صنایع الکترونیک نیز از موج سرکوب و دستگیری در ایران نبوده اند کارگران پیشرو این کارخانه اعلامیه ای در این رابطه منتشر نموده اند که در قسمتی از آن آمده است: "در شرایطی کسه عنا مر رژیم قبیل در کارخانه حضور دارند، چندتن از همکاران مبارزان را به جرم دفاع از منافع کارگران به دادگاه حاضر

کارگران پیشرو و کنسور سازی شیراز در رابطه با خراج و دستگیری همکاران نشان اعلامیه ای منتشر نموده اند. در قسمتی از این اعلامیه نوشته اند: "مدتی از دستگیری تعدادی از کارگران همکارانمان توسط پاداران حزب جمهوری اسلامی میگردد و ما هنوز زکوچکترین خیرای وضعیت آنها ندا ریم" و پس از شرح فریبکاری مدیریت و نظا هرا و به حما بیت زکا رگران در خانه می نویسد: "امروز وظیفه تک تک ما مبارزه با سرکوب و حشیا نه، خفیان و دیکتاتورری حزب جما فدا ر جمهوری اسلامی، فریبکاری مدیریت کارخانه و سازشکاری شورا ست. ما با یدبا اتحاد خود و ایجا دشورای واقعی، شورایی که پشتیبان ما کارگران باشد، از خراج و دستگیری و زندانی شدن همکارانمان جلوگیری نمائیم و توطئه های مفتخوران کارخانه و دولت جاسی آنها را خنثی کنیم."

یاد رفیق فدائی...

و دیگر حتمتکشان اشاعه دهدوی همیشه شجاعانه در عرصه مبارزه طبقاتی علیه سرمایه داری حضور داشت. در روز راهبیمانی با سداران با شناسائی قبلی دو گلوله به او شلیک می نمایند اما با وجود این بطرف پاداری که به او تیراندازی کردند یورش برده و اسلحه کمربند او را مصادره می کنند که با سدار دیگری از پشت به طرف او شلیک می کند. بیگز زخمی و نیمه جان و صیاد قهرمان را به داخل ماشین برده و در راه با ضربات کاردار او را به شهادت میرسانند. درود بر صیاد فدائی رفیق بهمن راست خدیو همه شهدای خلق - سنگ و نفرت بر آدمکشان رژیم جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۴
اسلامی تقسیم کرد رفیق بهمن به این عمل ضد انقلابی رژیم اعتراض کردند با رژیم ما ندر رژیم شاه با سداران سرمایه و جما فداران او را تهدید به کشتن کردند. شجاعت و شهادت اولسره سرانجام مزدوران می نداشت. بعد از اشتباه درون سازمان وی با طرد و بیرون بستن اکثریت در زیر بچم خویش سازمان به مبارزه خویش ادامه داد. او بعنوان یک صیاد فدائی بسیار کوشید تا زبان ساده خویش را متهدا انقلابی سازمان را در بین صیادان

باید با استخدام کارگران بیکار بساط "اضافه کار اجباری" در کارخانه ها برچیده شود



رقیه از صفحه ۱ رژیم جمهوری اسلامی

توضیح ندادند که چرا و بجه دلائلی حاکمیت کنونی را دموکراسی انقلابی می‌دانند و چنین تحلیلی برکدام فاکتورهای عینی استوار می‌باشد؟ پرواضح است که ارائه ندادن چنین تحلیلی از جانب آنان امری اتفاقی و تصادفی نیست. آنها بخوبی میدانند در باره مسئله بدین مهمی که در صف بندی نیروهای اجتماع تا غیر قاطعی دارد، نمیتوان بدون تحلیل سخن گفت و به همین دلیل نیز گوش‌های فراوانی در این زمینه بکار بسته‌اند، ولی به نتیجه موفقیت آمیزی نرسیده‌اند چرا که نه آنها و نه هیچ‌کس دیگری نمی‌تواند بر اساس دلائل و فاکتورهای عینی، اثبات کند، که حاکمیت کنونی دموکراسی انقلابی است. لذا آنها مجبورند تحلیل‌های ناقصی ارائه دهند و به گوشه و کنار - قضا یا بچسبند، دلیل تراشی کنند، مبهم سخن بگویند تا بدینسان چندین نظریه ایراد "اثبات" کرده و به هواداران نشان بقبولانند. ما به این شیوه تحلیل در سیرد خلق شماره ۱ (دوره جدید) برخورد کردیم و نوشتیم:

"شیوه بورژوازی تحلیل معمولاً در بررسی‌های خود هیچ عملکردهای مختلف را نه در ارتباط با یکدیگر، بلکه جدا از هم بطور مکانیکی کنار هم ردیف می‌کند و به عملکردهای مختلف بها و اوج میدهد. اساسی را از فرعی متمیز نمی‌دهد و قاطعی نیست از سببی مجموعه عملکردها یا بنامده‌ها به ما هیت پدیده پی برد...."

منند ما رکیستی تحلیل برخلاف شیوه فوق‌الاولی عملکردها را در ارتباط با دلائل کنونی با یکدیگر بررسی میکنند. اساسی را از فرعی تمیزی می‌دهد و تلاش می‌کند تا بنوعی از سطح عمیق، ما هیت پدیده و سیرتکاملی آنرا مشخص کند و موضوع مشخص نسبت به آن اتخاذ کند. در متن ما رکیستی معیار و ملاک حقیقت، براتیک است. (نبرد خلق شماره ۱ صفحه ۶۹)

ما گذشته از متد غیر علمی و غیر سیرتکاملی با یکدیگر بررسی میکنند. اساسی را از فرعی تمیزی می‌دهد و تلاش می‌کند تا بنوعی از سطح عمیق، ما هیت پدیده و سیرتکاملی آنرا مشخص کند و موضوع مشخص نسبت به آن اتخاذ کند. در متن ما رکیستی معیار و ملاک حقیقت، براتیک است. (نبرد خلق شماره ۱ صفحه ۶۹)

ما رکیستی معیار و ملاک حقیقت، براتیک است. (نبرد خلق شماره ۱ صفحه ۶۹)

اساس تبیین نموده‌است. نیروهای سیاسی دیگر نیز هر یک به نحوی پسین تضاد را تبیین کرده‌اند. مثلاً راه‌کارگر این تضادها را ناشی از تضاد کلاس است حکومتی میدانند، جناح چپ اکثریت حزب جمهوری اسلامی را نماینده خرده بورژوازی سینی مرفه میداند که در موضع ضد انقلاب قرار گرفته و تضادها را بر این پایه بررسی می‌کند و غیره... ما نکته مهمی است که تمام این تحلیل‌ها علیرغم اختلافاتشان این تضادها را نه تضاد جبهه انقلاب و ضد انقلاب، بلکه تضادهای درون جبهه ضد انقلاب می‌شناسند. چرا که این نیروها بدرستی این مسئله را - تشخیص میدهند که حزب جمهوری اسلامی بمثابه حزب حاکم، راه بیشتر انقلاب و تکامل مبارزه طبقاتی را سد نموده و نیروی ارتجاعی و ضد انقلابی است و از منافع طبقات ارتجاعی یا سادری می‌کند و در رژیم سیاسی - اقتصادی - اجتماعی حاکم مهرورشان را از خصلت دموکراتیک و انقلابی بافت نمی‌شود. ما حزب توده و اکثریتی‌های راست با دستاویز قرار دادن این تضادها برای رژیم جمهوری اسلامی ما هیت و خصلت انقلابی دموکراتیک تراشیده و به حمایت از ضد انقلاب حاکم بر می‌خیزند و رژیم کنونی را دموکراسی انقلابی معرفی می‌کنند. در این نوشته بویژه ما بحث خود را حول این مسئله اساسی انقلاب ایران متمرکز می‌کنیم تا روشن تر شود که دموکرات انقلابی کیست؟ دموکراسی انقلابی چیست؟ و آیا رژیم جمهوری اسلامی دموکراسی انقلابی است یا دیکتاتوری ارتجاعی؟

میدانیم که کمونیستها، یعنی کسانی که در راه‌های پرولتاریا و پیروزی - سوسیالیسم می‌رزمنند بیگترین مدافعین دموکراسی و رهائی خلقها از فئدالیسم هستند. دموکراسی پرولتاریا را بیگترین مدافعین دموکراسی است. لنین در این باره می‌نویسد: "فقط در طبقه کارگر است که دموکراسی میسر می‌شود و در هر جگه به عقب‌نشینی می‌کند و در هیچ یک از طبقات، دستجات و قشرها دیگر خصوصیت نسبت به حکومت مطلقه بلا شرط نیست، دموکراسی آنها همواره به عقب می‌نگرد... فقط پرولتاریاست که میتواند آنرا آخرین لحظه دموکرات بیگترین دشمن قطعی حکومت مطلقه باشد و بنا بر موقعیت طبقاتی خود نمی‌تواند هم‌نامد - و قادر به هیچگونه گذشت، صلح و ملأح نیست. فقط پرولتاریاست که میتواند در راه آزادی سیاسی و تا سیات دموکراتیک مبارزینش قدم بگذارد زیرا "ولاً" سنگری سیاسی تا نیش در پرولتاریا ندیده‌تر از همه است و نمی‌گذارد که در حقیقت این طبقه که نه دسترسی به مقامات عالی‌رتبه و نه حتی به عمال دولتی و نه نفوذی در افکار اجتماع دارد، کوچکترین تعدیلی حاصل کرده، تا نهایتاً فقط پرولتاریاست که قادر است دموکراسی کردن رژیم سیاسی و اجتماعی را با خسر برساند. زیرا یک چنین دموکراسی کردنی این رژیم را بدست کارگران خواهد داد. (لنین - وظایف سوسیال دموکراتهای روس - تاکید از ما است)

اما پرولتاریا تنها نیروی نیست که در راه دموکراسی و رهائی مبارزه می‌کند، در کنار او سایر طبقات - انقلابی وجود دارند که برای دموکراسی و رهائی مبارزه می‌کنند، بخصوص در جوامع تحت سلطه امپریالیسم، طبقات کهنه -

خشم و کینه اهالی لنگرود از اعدام سه انقلابی

سه نفر از هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران، در سرگردان روز - بیست و دوم تیرماه در لنگرود اعدام شدند. اعدام این سه انقلابی توسط رژیم جمهوری اسلامی موجب ارتعاش و اندوه توأم با خشم و کینه را در مردم برانگیخت. ساعت هشت صبح جمعیت انبوهی همراه خانواده این شهیدان جلومحل سپاه پاسداران لنگرود جمع می‌شوند. پاسداران که همواره از حرکات اعتراضی مردم و گسترش دامنه مبارزات آنها وحشت دارند اینبار هم سعی کردند با زور و با کتک زدن همسر یکی از شهیدان جمعیت را متفرق کنند. اما مدام بر تعداد جمعیت افزوده می‌شد همراهِ جسد و تن از شهیدان که به قبرستان شهر حمل می‌شد - یک جسد به روستای محل تولد مهاجده شهید برده شد - مردم روستا ضمن شرکت در مراسم تدفین شعارهای از جمله "مرگ بر پادشاه"، "مرگ بر ارتجاع"، "این سنجانیت ارتجاع است" و "پارلمان ما زندان سنجان است" در میدانند، میدادند. این شعارها در تمام طول کفن و دفن شهیدان ادامه داشت و مرتب جمعیت افزوده می‌شد و همه با خشم و کینه شعار می‌دادند. پاسداران و حزب - اللهی‌های زن و مرد نیز سعی در برهم زدن مراسم را داشتند اما موفق نشدند.

دهقانان زور خرده بورژوازی شهری (کسبه کمیت چنگگیری را تشکیل می‌دهند) تحت ستار امپریالیسم و بیست جا کم بوده و در راه دموکراسی و رهائی از فئدالیسم امپریالیسم مبارزه می‌کنند. این افشا رو سیع هر چند قدر نیستند و بنا به موقعیت طبقاتی خود نمی‌توانند با طرس سوسیالیسم مبارزه کنند (بجز دهقانان فقیر و نیمه پرولتاریا شهری و روستا که میتواند - تحت رهبری پرولتاریا برای سوسیالیسم مبارزه کنند اولی با این وجود در مبارزه برای رهائی و دموکراسی و در انقلاب - دموکراسی شرکت کرده و نیروی انقلابی بشمار می‌آیند و متحد پرولتاریا در مبارزه برای دموکراسی و رهائی می‌باشند. دموکراسی انقلابی خرده بورژوازی (کسبه) بی‌انگرمنافع وسیع‌ترین اقشار خرده بورژوازی است هر چند در مقامی به بالا دموکراسی پرولتاریا دارای محدودیت و ناپیکری است اما در مرحله‌ای از تکامل جامعه و در تحولات دموکراتیک دارای نقش مترقی و انقلابی است لنین در باره نقش مترقی این دموکراسی می‌نویسد:

"کاشونسکی هرگز نمی‌تواند این موضوع را در نما بگذرد در انقلاب بورژوازی - دموکراتیک اندیشه برابری دارای اهمیت انقلابی است. انقلاب می‌بورد فراتر از آن نمی‌تواند برود و هنگامیکه به پایا خود میرسد با وضوح بیشتر، سرعت بیشتر و سهولت بیشتری عدم کفایت تصمیمات بورژوازی - دموکراتیک و لزوم فراترفتن در چهار - چوب آن و انتقال به سوسیالیسم را در بر آورده‌ها آشکار می‌سازد... از سوسیالیسم کاشونسکی گفته‌های ردیانه لیبرال - مآبانه ماسلف منتوبیک را نقل قول می‌نمایند که سکودن تحلیلی و ارتجاعی بودن - رقیه در صفحه ۴

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر بیشتر از مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران



شرایط نوین، سازماندهی نوین

نقشه در صفحه ۱

بیکاری، کراسی، اخراج، کمبود، سلب
حداقل حقوق آزادیهای فردی واحتمالی
دستگیری، زندان و اعدام عزیزترین
فرزندان خلق و هزاران عامل دیگر
هرروزه کارگران و زحمتکشانی را بصره
مکشاند که امدهای فراوانی با نعلی
بسته بودند که با تمام وجودشان در آن -
شرکت کرده بودند و اکنون آن امدها
را بر باد رفته میدادند. آنها اکنون سا
کوله باری از تجربه تلخ و شیرین
بر علیه موانع و عوامل بازدارنده
مبارزان در جبهه تا مین منافعشان
صحنه می آید.

در چنین اوضاع و احوالی سازمانهای
انقلابی و بویژه سازمان ماکه رزمندگان
وفداکارین را طی چندین سال با نجات
رسانیده است و مورد اعتماد عمیق توده -
هاست، وظیفه بسیار خطری سپرده دارند:
از یکطرف خنثی کردن تهاجم و حشانه
حاکمیت بقصد سرکوب آنها و تعمیرات دیگر
حفظ خود را ظرف دیگر حضور فعال سیاسی
در صحنه مبارزات طبقاتی، سازماندهی
و هدایت توده های مبارز و بویژه طبیف
وسیع پیشگامان و پیشروانی که مدام رو
سوی سازمان مبارز رزمنده خود می آورند
و هدایت و نظارت دقیق سازمانی را
می طلبند.

بدواً "لازم بنا کید است که یکی از -
مبانی و اصول سازمان ماکه توسط رفیق
امیر پرویز پویا بنیاد ریزه شده است بقای
بندیده و فعال است. بدین معنی که
رفیق باید تئوری بقا "دهم جهل (که عملاً"
بهرکتی را شرط بقا کرده بودند) تعرض
را لازم بقا دانسته است و این آن اصل
آسی است که بویژه با توجه به شرایط
کنونی رهنمون عمل ما خواهد بود.

بعلاوه با توجه به رهنمودهای ارزنده
کمیتز که "رهبر ترور و رشید تر است،
مسئله کارها با محدودیت زمانی بیشتر
در مقابل تشکیلات قرار میگیرد. دست
زدن به ایجاد تشکیلات بدون در نظر
گرفتن این مطالب در مرحله خاصی بیک
بحران تشکیلاتی در نخواهد افتاد از -
افرادی که از طرف پلیس شناخته شده اند،
منجر میشود از همین طریق دشمن به
حملاتی که اسف بارترین نتایج سیاسی
را در بر دارد، مبارزت میکند" (تلفیق
کار مخفی و علنی - صفحه ۱۱)

و بویژه در شرایطی که هدف ضد انقلاب
نا بودی سازمانهای رزمنده کمونیستی
است، این سازمانها با بستن با جذب
و آموزش مداوم نیروهای تازه نفس
و مبارز جریان دائم ولایتی از کار در
- ها را تا مین کنند، مسلماً "این آموزش
وقتی با ارزش خواهد بود که با پراکنش
روزمره و جاری و شرکت فعال در مبارزه
توده ای همراه باشد. چنین شرایطی
سازماندهی نوینی می طلبد تا بتواند
بنا به شکلی مناسب محتوی مناسب خود
(انجام وظایف پرولتری) غنی بخشد
اصول حاکم بر این سازماندهی برقرار -
زیر است:

۱- بنظر میرسد که کمبود کار در ورزیده،
سلط و بیرون (و بهتر است اضافه کنیم

همه فن چریک در جنبش کمونیستی مسا و
ترسودیک بر ما مه و سیاست تدوین شده
که هم بتواند امرکا در سازمانی را سرعت
بخشد و هم نیروهای جوان و کم تجربه بتوانند
بر طبق آن هدایت تشکیلاتی را بنحوی
اصولی تر و بدون اشکالات و انحرافات
اساسی به پیش برند. اغلب تشکیلات -
پرولتری را تا کنون وادار کرده است که
تن به سازماندهی تا مناسب کمینه بی
یا حرفه ای بدهند. بدین معنی که جنبش
هر قشر طبقه ای تحت نام کمینه (مسا
کمیسون) خاصی خودش سازماندهی نمود
هدایت و کنترل گردد، (یعنی رفیق
بهای ایجاد یک سازمان پرولتری - که
با سستی ترکیب طبقاتی آن راتا ۸۰٪ -
کارگران پیشرو و انقلابی تشکیل دهند -
سازمانی از سازمانهای اقشار و طبقات
مختلف و با بنیاد است بگوئیم مرکز -
هما هنگی سازمانهای اقشار مختلف -
بوجود آمده بود. بهر حال اکنون که اولاً:
آن ضعف مفرط کارهای جنبش ثانیاً:
آن نفس با رزما آنها در مورد بر ما مه و
سیاست محدود زبانی مرتفع شده است و
بخصوص اکنون که اقشار و طبقات خلق
همگی در صحنه هستند و مبارزات آنها
بطور عمده در خبا با آنها و محلات جاری است
و حتماً انداز جنبش توده ای نیز بیانگر
آب مسئله است بر ما نهی کمونیستی
است که کمینه های محلی (منطقه ای و -
ایالتی و غیره) را اساسی طرح تشکیلات،
خود کنند تا "اولاً" بکنند: ارتباطات
طرف خود، بدین معنی که هم انتقال
تصمیمات و مصوبات ارگانهای هدایت
کننده با توده های تشکیلات سرپرست و
فعال تر شود و هم رابطه توده های تشکیلات
مناطق با ارگانهای هدایت کننده و
تصمیم گیرنده سریعتر گردد. در نتیجه
ارگانهای مرکزی سازمان سریعتر
و مستقیم تر در جریان رویداد های مناطق
قرار می گیرند و ارتباطات و تشکیلات
ارگانیک می شود. ثانیاً: "رهبری بالنسبه
قویتر منطقه (محل یا ایالت و غیره) بهتر
و سریعتر از پس تغییر و تحولات بر می آید
و در مقابل آنها سریعتر و اولیتر موضع
می گیرد و بویژه در مقابل تغییر و تحولات
انعطاف و تحرک لازم را نشان میدهد و
بدین ترتیب نه تنها از نظر تبلیغاتی
حضور سیاسی فعالتر میگردد، بلکه با
واکنش سریع و بموقع حملات و حشانه
ارگانهای سرکوب حاکمیت را خنثی
میکند. بدین معنی است که "کمینه های -
حرفه ای" و یا تعمیرات دیگر "کمیسونهای
تشکیلاتی" (مانند کمیسون کارگری، -
کمیسون دانش آموزی و غیره) همچنان
امرهما هنگ کردن حوزه ها و تدوین
سیاستهای خاص و تهیه مطالب تخصصی آن
حوزه ها رو فعالیت سازمانی را بر سر
ارگان مرکزی به پیش خا دهند.

۲- تعیین حدود مرزهای دقیق تشکیلاتی
(گروه منجمی از انقلابیون حرفه ای)
و کنترل و مراقبت بقصد کاهش هر چه بیشتر
ضربه پذیری از یکطرف و ارائه رهنمود
به نیروهای انقلابی و هواداران برای
ایجاد کمینه های محلی و گروههای -

۳- تعیین حدود مرزهای دقیق تشکیلاتی
(گروه منجمی از انقلابیون حرفه ای)
و کنترل و مراقبت بقصد کاهش هر چه بیشتر
ضربه پذیری از یکطرف و ارائه رهنمود
به نیروهای انقلابی و هواداران برای
ایجاد کمینه های محلی و گروههای -

۴- تعیین حدود مرزهای دقیق تشکیلاتی
(گروه منجمی از انقلابیون حرفه ای)
و کنترل و مراقبت بقصد کاهش هر چه بیشتر
ضربه پذیری از یکطرف و ارائه رهنمود
به نیروهای انقلابی و هواداران برای
ایجاد کمینه های محلی و گروههای -

۵- تعیین حدود مرزهای دقیق تشکیلاتی
(گروه منجمی از انقلابیون حرفه ای)
و کنترل و مراقبت بقصد کاهش هر چه بیشتر
ضربه پذیری از یکطرف و ارائه رهنمود
به نیروهای انقلابی و هواداران برای
ایجاد کمینه های محلی و گروههای -

هواداران ظرف دیگر، تا بدینترتیب
ظرفیت و توان بسیج و سازماندهی
نیروهای هر چه وسیعتری فراهم آیند.
مسلماً "سازمانها هدایت و کنترل این
گروه های هوادار را بسپرده به گیرند و
رهنمودهای لازم را بویژه از طریق ارگان
مرکزی (که بعداً "درباره وظیفه اش در
شرایط کنونی صحبت خواهد شد. با آنها
ارائه خواهد داد. اما در عین حال این
استکار عمل خود هواداران است که عمده
هدایت را انجام خواهد داد. همیچنان لازم
است برفقا توصیه کنیم که حتماً "مقاله"

۱- تعیین حدود مرزهای دقیق تشکیلاتی
(گروه منجمی از انقلابیون حرفه ای)
و کنترل و مراقبت بقصد کاهش هر چه بیشتر
ضربه پذیری از یکطرف و ارائه رهنمود
به نیروهای انقلابی و هواداران برای
ایجاد کمینه های محلی و گروههای -

۲- تعیین حدود مرزهای دقیق تشکیلاتی
(گروه منجمی از انقلابیون حرفه ای)
و کنترل و مراقبت بقصد کاهش هر چه بیشتر
ضربه پذیری از یکطرف و ارائه رهنمود
به نیروهای انقلابی و هواداران برای
ایجاد کمینه های محلی و گروههای -

۳- تعیین حدود مرزهای دقیق تشکیلاتی
(گروه منجمی از انقلابیون حرفه ای)
و کنترل و مراقبت بقصد کاهش هر چه بیشتر
ضربه پذیری از یکطرف و ارائه رهنمود
به نیروهای انقلابی و هواداران برای
ایجاد کمینه های محلی و گروههای -

۴- تعیین حدود مرزهای دقیق تشکیلاتی
(گروه منجمی از انقلابیون حرفه ای)
و کنترل و مراقبت بقصد کاهش هر چه بیشتر
ضربه پذیری از یکطرف و ارائه رهنمود
به نیروهای انقلابی و هواداران برای
ایجاد کمینه های محلی و گروههای -

نقشه در صفحه ۱۲

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

کشتار و سرکوب انقلابیون نشانه دیگری از دشمنی رژیم با راجحمتکشان!

رژیم سرکوبی عربان و بیورش‌های وحشیانه را سازمان داده است. از سوی شاهدیم که انقلابیون گروه کرده شده جوخه‌های اعدا سپرده بشوند. دستگیری و شکنجه نیروهای مبارز را با دو سیم با فتنه ست و زندانها مملو از بهترین فرزندان خلقند. و از سوی دیگر شاهدیم که شوراها یکی را خانات مورده - سورس سراوی انجمنهای اسلامی قرار گرفته. کارگران مبارز را خراج چود دستگیری شوند و هرگونه اعتصاب و اعتراض با بیورش - وسیع یا سارا در هم شکسته می شود. در ادارات جورعب و وحشت خاکم گشته است و هرگونه حرکت انقلابی با اخراج و دستگیری یا سخراده میشود. رژیم بیورشی وحشیانه را به مبارزات توده‌ها شکل داده است. دهکده‌ها را سرکوب می شوند. آلونک نشینان خانه بر سرشان - خراب می شود. . . . رژیم در مورد دستگیری، سرکوب و کشتار انقلابیون تبلیغات وسیعی می کند و حتی توده‌ها را با شکلی مذبح‌خانه به شرکت در این سرکوبها فرا میخواند. اما هیچگاه در مورد سرکوب کوب شوراها، کشتار کارگران، شکستن اعتصابات، دستگیری کارگران مبارز و یاد مورده خراج و توبیخ‌های انجام شده سخنی به میان نمی آورد.

رژیم جمهوری اسلامی همواره برای اعمال سیاستها ضد خلقی خود او ز جمله سرکوب توده‌ها، کشتار خلقها و بیورش به دست وردهای قیام خلق، نیروهای انقلابی را سرورده خود با فتنه است. و در این رابطه است که همواره مقدمه‌های شدید سرکوب و کشتار خلقها و بیورش به دست وردهای - انقلابی توده‌ها، سرکوب نیروهای - انقلابی است.

مگر ممکن است نشریات انقلابی انتتاریا بند و رژیم‌ها حتی بتوانند توده‌ها را سرکوب کنند، مگر ممکن است داننگاها، این سنگرهای آزادی باز یا شند و رژیم‌ها بنوا ندیبر حتی در کردستان کشتار کنند، مگر ممکن است رژیم سرکوب خلق را فارغ از فضا گریه‌های نیروهای انقلابی و مبارزات آنها به پیش برود، همواره تنها سیاستهای ضد خلقی رژیم فدا ثیان خلق و سایر نیروهای انقلابی همواره دوشا دوش و پیشا پیش خلق در مقابل رژیم ایستاده اند. حرکات ضد خلقی و سرکوبکارانه اش را افشا کرده اند و در مقابل آن به مبارزه برخاسته اند و از اینروست که رژیم همواره پیش از تشدید سرکوب خلق به سرکوب نیروهای انقلابی و مترقی میپردارد.

بیا دنیا ورید سرکوب خلق عرب مقدمه اش سرکوب فدا ثیان، حمله به ستاد آنان در آبادان، دستگیری و شکنجه نیروهای انقلابی - لایستی بود. اما در پس این بیورش به فدا ثیان و نیروهای انقلابی، کشتار خلق عرب نهفته بود، سرکوب و کشتار خونین ترکمن صحرا و بیورش به شوراها و دهقانان مقدمه اش ترور رفقای فدا ثی توماج، محتوم، و اجدی و جرائی و تشدید حمله به فدا ثیان خلق بود. اما در پس آن خلق ترکمن به خون کشیده شد و شوراها مسورد بیورش فرا گرفت.

بیا دنیا ورید رژیم ۲۸ مرداد سال

۵۸ ابتدا بیورش خود به ستاد سازمانها ی انقلابی و دفا تر فدا ثیان و مجا همدین و سایر نیروها آغاز کرد، ابتدا نشریات انقلابی را توقیف نمود و نیروهای انقلابی را مورد دستگیری و ترور قرار داد. اما پس از آن کشتار خلق کرد را شدت بخشید، خاک کردستان را به راکت و موشک بست و بیورش خود به این خلق فهرا مان را تشدید کرد و در پس آن بیورش به شوراها را تشدید نمود و سعی کرد این سنگرهای مبارزات خلق را نابود سازد.

رژیم ابتدا به داننگاها بیورش - آورد، دفا تر سا زمانهای دانشجویی انقلابی را تسخیر کرد، داننجویان مبارز را کشتار نمود، در داننگاها راست، اما پس از آن سرکوب و کشتار روحشیا نسه در کردستان را پی گرفت و بیورش به تمام دستاوردهای قیام خلق را شدت بخشید. نمونه‌های این مساله‌ها حتی در هرکوی و برزن، در هرکارخانه و روستا نیز میتوان بیعان دید. هرگاه انجمن اسلامی ضد بیورش به شورا را دارد رژیم میخواهد مبارزات کارگران را به شکست بکشاند، هرگاه هدف مقابله و سرکوب اعتصاب، تحصن و یا مبارزه ای - انقلابی است ابتدا کارگران پیشرو دستگیر و یا اخراج می شوند و سپس رژیم سرکوب مبارزات کارگران را به پیش می برد.

و با لآخره و قباغ اخیر نیز بخوبی نشان میدهد که چگونه رژیم جهت پیشبرد سرکوب و وحشیانه توده‌ها در ابتدا نیروهای انقلابی را مورد بیورش قرار میدهد تا به خیال خود بنوا ندیا فراغ بال توده‌ها را سرکوب نماید. در قباغ اخیر به خوبی دیدیم که چگونه فدا ثیان، مجاهدین و سایر نیروهای انقلابی مورد تشا جم قرا ر گرفتند، نظا هرات مسالمت آمیز نشینان بخون کشیده شد، قروشدگان نشریات و بخش کنندگان اعلامیه‌ها بشان دستگیر، شکنجه، ترور و اعدا شدند. چگونه رژیم تنها می نیروی خود را جهت سرکوب آنان - بگسا ز گرفت، چگونه نوجوانان بسیاری را فقط به جرم طرفداری از نیروی انقلابی به جوخه اعدا سپرد، اما در پس این حملات هدف اصلی یعنی سرکوب توده‌ها را به عینه به پیش برد. دیدیم چگونه کارگران شهر صنعتی به رگبار بسته شدند، دیدیم چگونه کارگران مبارز دستگیر شدند، شوراها مورد بیورش و وحشیانه قرا گرفتند، کارگران مترقی و آگاه خراج شدند، هرگونه حرکت اعتراضی جهت تحقق خواسته‌های به حق کارگران، چگونه یا سخر داده شد. دیدیم چگونه در پس تشدید سرکوب نیروهای انقلابی رژیم به تخریب خانه‌ها و آلونکها - های راجحمتکشان پرداخت و آلونکهای بسیار را از جمله در جوار میدان آزادی با خاک یکسا نکرد، دیدیم چگونه بیورش به کردستان تشدید شد، دیدیم چگونه رژیم دهکده‌ها را را مورد تشا جمی و وحشیانه قرا داد، دهکده‌ها بشان را خراب کرد و خودشان را مورد ضرب و شتم و دستگیری قرار داد. آری دیدیم که چگونه در پس بیورش به سرکوب انقلابیون سرکوب توده‌ها نهفته بود. اینک توده‌ها هما نگونه که به آری تشا جم عملی خود را بروز می‌کنند - ما هیت ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی پی می برید، بهما نگونه نیز روز بروز بیشتر

در میا بند که دشمنی رژیم با نیروهای انقلابی فقط و فقط بدلیل دشمنیش با خلق و منافع خلق است. توده‌ها در میا یا بند که رژیم از بیورش و نیروهای انقلابی را سرکوب میکند که در هر عمل ضد خلقی خود تا ترا در کتا رتوده‌ها و در مقابل خود میا بد. از اینرو که نیروهای انقلابی همواره تمام میا عمل ضد خلقی سرکوبکارانه رژیم را افشا می کنند و در مقابل آن به مبارزه می بر می خیزند، آگاه می راب میان توده‌ها می برند تا آنها را سازمان میدهند رژیم از بیورش و نیروهای انقلابی دشمن است که مبارزات توده‌ها را ارتقا می بخشد.

توده‌ها در میا بند که فدا ثیان از اینرو سرکوب، ترور، اعدام، زندانی و شکنجه میشوند که به افشای سرکوبگریهای رژیم در مقابل خلق میپردازند، زیرا که ما هیت با سدا سرما به رژیم را بر ملا می سازند، زیرا پرده‌ها ز روی قرا رادهای اسارت را می بریای لیستی رژیم قرا راد ننگینی چون موافقتنامه الجزا بجهت آزادی گروگانها بر می کشند، زیرا که به افشای ما هیت ارتجاعی جنگ میپردازند، زیرا که در مقابل فقر و فلاکت توده‌ها، در مقابل گران، بیگانه‌ها و آوارگی توده‌ها به اعتراض میپردازند، توده‌ها در میا یا بند که فدا ثیان از اینرو سرکوب می شوند که در کتا ر خلق کرد و جهت حفظ منافع و دستاوردهای راجحمتکشان کسرد می برزند، زیرا که در کتا ر کارگران جهت ایجاد شوراها ی انقلابی، جهت رشد تشکل و آگاه می آنان جهت بدست آوردن حقوق حقه شان می برزند، زیرا که در کتا ر روستا ثیان برای تحقق کشت شوری، برای تقسیم دموکراتیک اراضی به مقابله با زمینداران بر می خیزند، زیرا که فدا ثیان حامی و پاسبان حقوق خلقند و در هر کجا که به این حقوق تعرضی صورت میگیرد دست به افشا گری، اعتراض و مبارزه میزنند.

توده‌ها در میا بند که فدا ثیان از اینرو سرکوب و کشتار می شوند که سخنان از حقوق توده‌ها، حقوق زنان، داننجیمان، دانش آموزان، پرسنل انقلابی، معلمین، کارمندان و روشنفکران بزبان می رانند و با لآخره توده‌ها به تشدید تشا جم تشا رب عملی خود در میا بند فدا ثیان و تشا می نیروهای انقلابی از اینرو سرکوب و کشتار می شوند که به مقابله با سرمایه و سرمایه داری برخاسته اند.

توده‌ها کم کم در میا بند که سرکوب نیروهای انقلابی مقدمه‌های جهت سرکوب آنان است و از اینروست که علیرغم تبلیغات جهمی رژیم، علیرغم تشا رب و بیانیتهای سران و رهبران و علیرغم تهدید توده‌ها به اعدام، دستگیری و سرکوب فدا ثیان و سایر نیروهای انقلابی هر روز پیش از روز پیش در دریا ی حمایت توده‌ها به بقای رشدیای بنده خود و به رشد روز افزون خود ادامه میدهند. آری توده‌ها در میا بند که سرکوب فدا ثیان و سایر نیروهای انقلابی از دشمنی رژیم با خلق و از زمینستگسی نیروهای انقلابی با توده‌ها ریشه میگیرد و در این دریا فتن است که نطفه های مرکز رژیم بسته می شود.

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



جنبش جهانی

کارتگری
رهايشخش

**۱۳ ایالت از ۱۴ ایالت السالوادور
صحنه نبردهای انقلابی است**

السالوادور



آموزش فنون نظامی به یک گروه ۱۰۰ نفری از مردم توسط یک فولانده جوان چریک

اصلی رژیم برای سرکوب مبارزات خلق، اینچنین گروهی را رویی با نیروهای انقلابی از پای درآوده است، ارتش چریکی توده ای هر روز آبدیده تر و بر قدرت تریه نبرد خویش ادا مه میدهد. وبه گفته ستخکسوی (جبهه رها شیشخ ملی فارا بونده ما رتی) هر روز بر تعداد مبارزان آزادخواه - افزوده میگردد. در حال حاضر ۱۴ ایالت از ۱۴ ایالت کشور عرصه نبردهای نبرو های انقلابی و ارتش ضد انقلابی است. نواحی شمالی کشور در تصرف کامل چریکهای انقلابی است و آنها خود امنیت حفاظت و خدمات عمومی این نواحی را بر عهده دارند. نیروهای انقلابی از طریق پخش برنا مه ها ی را دیوی خویش در این مناطق به تبلیغ اهداف و برنا مه های انقلابی و بسیجی شده ها حول شمارهای انقلابی میگردانند.

ارتش تا حال چندین بار را اسلام شروع عملیات با کما زی نموده است ولی هنوز موفق به بازگشتن هیچیک از مناطق اشغالی از طرف نیروهای انقلابی نشده است.

نیروهای انقلابی همچنین برای ایجاد ارتباط با توده ها و آشنا ساختن آنان با فنون نظامی و روشهای مبارزه با ارتش به اشغال موقت برخی نواحی اقدام میکنند. عملیاتی که هر بار پس از خروج نیروهای انقلابی از مناطق اشغالی موقت، رژیم با حمله ای گسترده به کشتار ساکنین محلی می پردازد، با زهم توده ها با ورود چریکها به شهرشان بدون واهمه از کشتار بعمدی رژیم، به استقبال آنها میروند.

هماگونه که جبهه دموکراتیک انقلابی السالوادور وجبهه رها شیشخ ملی فارا بونده ما رتی در بیا نیه مشترکشان در هفته اخیر اعلام نموده اند: به افزایش کمکهای نظامی امپریالیسم امریکایی به رژیم جنایتکار حاکم السالوادور و به تشدید سیاستهای سرکوبگرانه این رژیم هیچکدام نمی توانند از گسترش مبارزه - مسلحانه خلق جلوگیری کند.

خلق بیا خاسته السالوادور در مبارزات مسلحانه خویش علیه خونتای نظامی حاکم هر روز به بهبودی های بیشتری دست می یابد. این مبارزات، طی چند هفته اخیر، با آغاز تمرینات تئوریک های انقلابی به شهرهای موشیتوتسو و گوازا یا (در نزدیکی پایتخت) و نیز شهر سان آنا (مهمترین شهر کشور پس از پایتخت) و چا زهای یافته است. خونتای نظامی حاکم، برای رویارویی با این گسترش روزافزون و همه جانبه مبارزات نیروهای انقلابی، سیاستی دوگانه پیش گرفته است. از یک سو به سرکوب وسیع نیروهای انقلابی، مردم عادی هوادار آنها نوسا زمانهای دموکراتیک پرداخته است، که از آنجمله می توان از ترور عناصر انقلابی، زنده سوزاندن ۱۵۰ نفر در یک غار و یورشهای مکرر به مردم بی دفاع و قتل عام آنان را به جرم کمک رسانی و حمایت از چریکها، نام برد. از سوی دیگر رژیم تلاش می کند تا با اعلام برگزاری - رفرائند و مردمیها رسال آینده هم اعمال وحشیانه و سرکوبگرانه خویش را پرده پوشی نماید و هم با دادن اجازه شرکت در انتخابات به برخی نیروهای جناح مخالف، درصوف اپوزیسیون تفرقه ایجاد کرده و عناصر زشکار را به سوی خود جلب کند.

در این میان نیروهای ارتشی به دنبال شکستهای پیاپی در مقابل چریکها، روحیه خویش را از دست داده اند و با حادث شدن تظاهرات درونی ارتش، سربازی سربازان از دستورها فرماندهان نشان هم افزایش یافته است. جو ارباب و وحشت حاکم بر ارتش نمی تواند از بیوستن سربازان به جبهه انقلاب جلوگیری کند. طی چند هفته اخیر، ۵ پلیس از یک شهر مرزی السالوادور به هندوراس گریخته اند و نیز ۲۰ سرباز از یک درگیری با چریکها در شهر سن میگوئل عازم هندوراس شدند. روزی شش تن از انقلابی شده وبه صفوف آنان پیوستند. در شرایطی که ارتش این آمیسد

گوانمالا

با گسترش حرکات اعتراضی و تهاجمات انقلابی خلق گوانمالا در برابر رژیم دیکتاتور فاشیستی ژنرال رومئو لوبان کاسا در گوانمالا، نظام میسان حاکم در این کشور نیز به منظور تامين حد اکثر سود سرمايه داران داخلی و متافع - انحصارات غارتگر امپریالیستی از یک سو و سرکوب و استعمار هر چه بیشتر زمینکنان از دیگر سوسه استفادها از باند های شیشه نظامی توسل جستند.



گرانما ۱۰ مه ۱۹۸۱

عکس فوق که در آن آثار شکنجه جای گلوله بر اجساد به خاک افتاده مبارزان کمالا مشهود است، صحنه ایست از اقدام چنایتکارانه باند های شبه نظامی علیه کارگران و زمینکنان در منطقه جنوبی گوانمالا.

باند های سیاه با پشتیبانی نیروهای مسلح سرکوبگر، جهت ایجاد محیط رعب و وحشت، هر روز در امریکای مرکزی به چنایتی از این قبیل دست می یازند تا بتوانند با سرکوب جنبش توده ای، زمینداران به بهره کشی غارتگران را مهیا سازند. و این درست همان کاری است که رژیم جمهوری اسلامی با کمک باند های سیاه حزب اللهی، کمیتها و پاسداران، طی دو سال ونیم حاکمیت اش به انجام آن مشغول بوده و همواره کوشیده است با ترور انقلابیون و رها کردن آنها در بیا با آنها، رکورد و خفگان را به توده ها تحمیل کند. ولی بی شماری این اقدامات سرکوبگرانه به اثبات رسیده و تنها بیا نگر ضعف و دما نندگی رژیم های ضد خلقی در برابر گسترش و تکامل مبارزه طبقاتی است و نشا نگر تلاشهای مذبحخانه ویکا رگیری شیوه های کهنه شده ای است که تباری کا روسما به را گسترده خواهد ساخت و غرضهای نویسی از مبارزه طبقاتی را پدید خواهد آورد.

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهایی بخش



از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران خطاب به خلقهای قهرمان سراسر جهان و سازمانهای انقلابی و دموکراتیک

خلقهای مبارز! رزمندگان انقلابی! دوستان و رفقای همسنگر!

دو سال و نیم پیش خلقهای تحت ستم ایران با قیام شکوهمند خود به حسابات سنگین رژیم دست نشانده پهلوی پایان دادند و به این ترتیب ضربه نیرومندی بر پیکر سرکوبده غارتگران جهان امپریالیسم آمریکا وارد آوردند. اما بیعت نبود - آنچه ان سزما ندهی انقلابی و آنچنان نیروی پیشا هنگی که بتواند نوا نروزی عظیم توده های میلیونی ایران را جهت تکمیل انقلاب بسیج و رهبری نماید، ارگان ضد انقلابی سازش طلبی و درراس آن خمینی قدرت سیاسی را در دست گرفت و ایستادن قدرت را در خدمت با زسازی سیستم ضربه خورده سرما به داری وابسته در جهت سرکوب جنبش انقلابی خلقهای ایران قرار داد.

طی دو سال و نیم گذشته حزب جمهوری اسلامی، حزب تجار و سرما به داران وابسته با برخورداری از پشتیبانی کامل خمینی و با تکیه بر توهم وسیع ترین اقشار نا آگاه خلق گام به گام مواضع کلیدی قدرت را از چنگ رقیب ضد انقلابی دیگر خود یعنی لیبرالها و سرما به داران صنعتی بیرون آورد و در نهایت نیز با خلق کودتا گونسه بینی صدارت تمامی مناصب خود، حاکمیت کامل خود را بر کلیه ارگانهای حکومتی تثبیت کرد.

اکنون با نگاهی به کارنامه سنگین دو سال و نیم حکومت جمهوری اسلامی شکستی باقی نمانده اما این رژیم و سیاستها پیش تمام "در خدمت با زسازی نظام - سرما به داری وابسته قرار داده شده و همچنان نیز با سرعت تمام این سیر را می پیماید. امروز تنها بسیاری از قرار دادهای - اسارت با را قضاوتی و نظامی رژیم شاه با امپریالیستها با برجا ستد بلکه در موارد بسیاری نیز قرار دادهای جدیدی با انحصارات جهانی بسته شده که ایستادگی با آن کمترین امتیاز قرار دادهای سابق نیست. امروزه نیز بشکلی کامل چگونگی گذشته دست سرما به داران و زمینداران در چپاول، استثمار و غارت کارگران و زحمتکشان ایران با زاست و تمام سعی قدرت حکومتی در خدمت تامین منافعی آنان قرار دارد و امروزه ارتش شاهنشاهی با بکارگماردن تیمسارهای سرسپرده آمریکا بشکلی کامل با حفظ سیستم ضد خلقی آن با زسازی شده و در خدمت سرکوب توده های زحمتکش قرار دارد.

اگر چند صبا جز رژیم جمهوری اسلامی سنی کرد چهره کرب سرکوبگرانه، ضد خلقی و حاکمی سرما به داری خود را زیر ما سک فریبکارانه ضد امپریالیستی بیو ثبات، اگر چند صبا حی رژیم به حربه های چون گروگان گیری و تسخیر سفارت آمریکا

متوسل شد، اینک دیگر این ماسک را نیز کنار نهاده است و آشکارا گامهای سریع خود را در جهت تحکیم و ایستکی بی سیم امپریالیسم بر میدارد.

رژیم اینک علنا "قرار دادهای اسارت باری چون قرار داد تکنیک تالیوت کروپ، میسوسی و... را با انحصارات امضاء میکند. اینک علنا "به خرید تسلیحات از امپریالیستها مشغول است. و اینک علنا "به رژیمهای دست نشاندهای چون رژیم صیاح الحق در پاکستان پیشنهاد نزدیکی و دوستی و عقد قرار دادهای - نظامی منطقه ای مینماید.

رژیم کنونی از همان آغاز روی کار آمدنش برای سرکوب انقلاب کمربند نا بودی دستا وردهای انقلابی توده ها بست. رژیم از اولین روزهای حکومتش به سرکوب - شورا های انقلابی مردم پرادا خت و در این راه کارخانه ها و روستا ها را مورد یورش قرار داد. در دو مین ماه حکومتش ترکمن صحرا و شورا های دهقانان را بخون کشید، در کردستان خلق قهرمان کرد را بمباران کرد. مبارزات خلق عرب ایران را با یاری تیمسار آمریکا شی مدنی سرکوب نمود و در این راه هزاران تن از بهترین فرزندان خلق را با گلوله، ارکت هتاهو بمبهای آمریکا شی به خون نشاند. رژیم از همان روزهای آغاز حکومتش نیروهای انقلابی و سازمانهای مترقی، ایستادن مدافعین راستین انقلاب را آماج حملات وحشیانه خود قرار داد.

نه تنها زندانها و شکنجه گاهها ی شاه جلاد را این با ر تحت پوشش اسلام بکار گرفت بلکه بسیاری زندانهای جدید برپا ساخت و کار را بجایی رسانید که اینک استاد دیوم های ورزشی را به زندان انقلابیون و توده های مبارز بدل ساخته است.

بیدار گاههای قرون وسطایی رژیم که در ابتدا جهت قریب خلق و تحت فشار جنبش توده ها چند تن از بدنام ترین چهره ها ی رژیم شاه را اعدام کردند به سرعت در خدمت سرکوب نیروهای انقلابی قرار گرفتند و اکنون صدها تن از مبارزین را به جوخه های اعدام سپرده اند. تنها در یک ماه خیریش از دو سیست نقر از مجاهدین، فدائیان و سایر نیروهای انقلابی بدون آنکه کمترین مهلت دفاعی داشته باشند در دگانهای در بسته به اعدام محکوم شده اند و در مقابل جوخه آتش قرار گرفتند. در موارد بسیاری رژیم حتی منتظر شناختن نام انقلابیون نشده است. در میان اعدام شدگان دهها شکوفه انقلابی، دختران و پسران ۱۳ تا ۱۸ ساله وجود دارند که در پیشگاه سرما به داری - سلاخی شده اند.

رژیم جمهوری اسلامی آزادیهای سیاسی را به تمامی پایمال نموده است. نشریات روزنامه های انقلابی کاملاً ممنوع گشته اند، کتب زیر سانسور سیاه

قرار داد درند، هرگونه اظهار نظر سیاسی و مخالفت با رژیم با دستگیری، ترور، شکنجه و اعدامها پیاده میشود. رژیم فقط در دو ماهه اخیر چندین بار نظاهرات مسالمت آمیز مردم، کارگران و نیروهای انقلابی را به رگبار بسته است.

توده های زحمتکش ایران تحت شدید ترین فشار زندگی، گرانسی، بیکاری، بی خانمانی و آوارگی قرار دارند.

جنگ نیز با اهمیت ارتجاعی و ضد انقلابی خود (همچنانکه برای زحمتکشان عراقی) هر روز گستاخا و پیرانیهای جدیدی برای زحمتکشان با رمان میاورد.

رژیم که از با سگویی به بحران اقتصادی سیاسی - اجتماعی جاری عاجز است، همچنان برای منحرف کردن مبارزه زحمتکشان را منتهای جنگ ارتجاعی و ضد انقلابی را وسعت می دهد و مراحج سنگین تری را بر دوش زحمتکشان تحمیل می کند. در چنین شرایطی رژیم می کوشد با اقدامات تسبیکارانه و با اعمال ترور و سرکوب توسط با سداران و باندهای - سیاها و با شی و دیگر ارگانهای سرکوبگر خود مجدداً "سایه شوم دیکتاتور سیاه را بر سر مردم بگسارتد.

خلقهای ایران امروز در چنین شرایطی قرار دادند اما علیرغم تمامی این سیاستهای ضد خلقی میروند تا مبارزهای دورا نساز را علیه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی سازمان دهند. هم اکنون علیرغم تمامی تلاشها رژیم در سرکوب نیروهای انقلابی و ادا شدن توده ها به جاسوسی بر علیه آنها، - فدائیان، مجاهدین و سایر نیروهای رزمنده در پرتو حمایت دیمومنی خلق به حیات روبه رشد خود ادامه میدهند و خود را برای نبرد سرنوشته ساز، نبردی در کتا رو پیشا پیش خلق با سرما به داران و رژیم حاکمی آنان آماده می سازند.

امروز خلق قهرمان کرد نیز بمباران بی امان خود در زیر آتش را کتفا و گلوله ها و در زیر شدیدترین بمبارانها شدت بخشیده است.

امروزه دیگر رژیم جمهوری اسلامی بجز در میان سرما به داران بازار و زمینداران، بجز در میان مزدوران و اجیر شدگان و بجز در میان عقب مانده ترین اقشار خلق پایگاهی ندارد و حتی مجیزگوییهای آشوبناک "جزینده" و "اکثریتی های راست گاه بدروغ نام - فدائی برخوردنها ده نند نیز تا شیری در سرنوشته محتوم این رژیم نخواهد شد.

خلقهای مبارز! سازمانهای انقلابی و ضد امپریالیست، همسنگران! آنچه گفته شد تنها گوشه ای از جنتا باسی است که توسط رژیم جمهوری اسلامی در - میهن ما میگذرد. اما شما که خود را گریز مایزه با امپریالیسم و سرما به داری -

نه سازش نه تسلیم نبرد با آمریکا



هستید، شما خلقهای مبارز کشورهایی تحت سلطه که خود را کثرتاً "مفهوم دیکتاتور" را با گوشت و پوست خود لمس می کنید و شما مبارزینی که در زیر شدیدترین سرکوبیها به رزمی دلیرانه علیه امپریالیسم جهانی مشغولید، مسلماً "بدرستی شرایط حاکم بر هم زنجیران خود در ایران را درک - خواهید کرد. آری روی سخن ما با شما - است با شما که خوددستی از نزدیک بر آتش دارید. با شما که شیوهرای تبلیغاتی - که میگویند بیره کشی و سرکوب سرما یه - داره و در پی سوشلنگاها در دور زیمهای فدا خلقی را حاضری خلق قلمداد میکنند - شناسید، آری رژیم ایران بجز سرکوب و کشتار خلق، بجز گرانی، فقر و بیکاری - چیزی دیگری برای توده های ستمدیده ایران بنیادینیا ورده است. اما بهتراست سیاست های این رژیم در عرصه خارجی را نیز - بررسی کنیم.

رژیم جمهوری اسلامی مدتها با بکار گرفتن تقاب فریبکارانه ضد امپریالیستی سعی کرده افکار عمومی جهان را بفریبند و برآستی نیز تبلیغات دروغین توانست - توهمات بسیار زیادی پدید آورد. اما در همان شرایط نیز در حال نزدیک شدن به امپریالیسم بود. رژیم جمهوری اسلامی حتی یک گام کوچک عملی در حمایت واقعی از جنبشهای انقلابی منطقه و جهان برنداشت. این رژیم بجز در تبلیغات عوام فریبانه خود هیچگونه کمک عملی به جنبش انقلابی خلق فلسطین ننمود، بلکه با تقویت و - کمک به سازمان ارتجاعی امل لبنان در جهت رشد جریانات ارتجاعی منطقه گام برداشت. این رژیم حمایت فعال و بیدریغ و همگامی وسیع با نیروهای ارتجاعی و خرابکاران را فتنه را پیشه خود ساخت و عملاً در کثرت ارتجاع افغانستان و نیرو - های امپریالیستی گام بر میدارد. این رژیم با تقویت با تدجیبانکار بارزانی و سازمانهای ارتجاعی عراق چون حزب الدعوة عملاً در خدمت تضعیف جنبش - انقلابی عراق و سرکوب جنبش خلق کرد آن کشور قرار دارد. این رژیم حمایت وسیع از رژیم ارتجاعی عراق را پیشه کرده و اخیراً "پیشنها دهکمارها یوسیع در مقابل به رژیم افغانستان را عنوان نموده است.

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در حالیکه در ظاهر برای مبارزین ایرلندی اشک تمساح میریزد به عقد قرار دادهای چندین میلیاردر تومانی با امپریالیسم انگلیس میادرت کرده است. در حالیکه علیه بمبارانهای صهیونیستها در جنوب لبنان تالنه سر میدهد خود مشغول بمباران خلق قهرمان کردبوسیله فانتومهای آمریکا بی است. در حالیکه برای وارگان فلسطین ظاهراً "دل میسوزاند و عوام - فریبانه با آنان اعلام همدردی میکنند در تبلیغات زهر آکین خود سازمانهای مترقی فلسطین و جریانات کمونیستی لبنان را عامل دست امپریالیسم مینامد. این رژیم در حالیکه مدعی مبارزه با امپریالیسم است حتی یک قرار داد دوپیمان جنسایت - کارانه رژیم شاه با امپریالیستها صهیونیستها و مرتجعین منطقه بر علیه خلقها و نیروهای رزمنده را افشاء نکرده است و در اختیار سازمانهای مترقی قرار نداده است. خلق مبارز عمان که سالها توسط ارتش مزدور شاه سرکوب شده گرز به اسناد همکاریهای شاه و قابوس که در بیابکهای رژیم جمهوری اسلامی است

دست نیافت، وحشی علیه غم تبلیغات - دروغین بسیار این رژیم حتی یک سازمان انقلابی در سرا سر جهان نیست که در ایران دفترها بپندگی داشته باشد و توانستند آزادانه تبلیغات و فعالیتها خود را به پیش برد. آری شما می این مسائل ظنی است و ما بدون شک میگوئیم، اگر این رژیم دوام بیاورد دیری نخواهد پاید که حتی همین تبلیغات ظاهری را نیز بکناری - بپند و آشکارا به توطئه علیه سازمانهای مترقی منطقه و سرکوب خلقها بپردازد. و هیستری ضد کمونیستی سرما یه دارانه رژیم بزودی و راهم بیمان آشکارا امپریالیست های جهانی و بعنوان پایگاههای مطمئن برای آنان درخواهد آورد.

همسنگران، رفقا

زحمتکشان، خلقهای تحت سلطه

سازمانهای انقلابی وضد امپریالیست

جای بس تا ساف است که برخی از - سازمانها و جریاناتی که مدعی مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع هستند از جمله - جریاناتی در جنبش فلسطین، امروز تمام این واقعیتها را نادیده میگیرند و در مقابل سرکوبها و کشتارهایی که علیه انقلابیون و زحمتکشان ایران جریان - دارد سکوت میکنند.

همبستگی مبارزاتی و وظایف - انترناسیونالیستی، ما را بر آن میدارد که از طریق شما خلقها و سازمانهای انقلابی به آن بخش از جریاناتی که بر غم خواست خلقهای مبارز سازمانها تا بدین، چنین - سبب استی را در مقابل جنبش ایران آغاز کرده است و حتی گاه از سیاستهای رژیم شبکار جمهوری اسلامی بطور آشکارا دفاع می کنند همدار همیم. با ید بگوئیم که این وجه آزیم استنها ی ارتجاعی استنکار به آرمانهای ضد امپریالیستی خلقهای زحمتکش جهان نیست و ادامه آن موجب - تزلزل و خلل در سنگر جهانی مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع خواهد شد. ما در ارگان مرکزی خود جداگانه عین همین انتقادات را بصورتی رفیقانه و صریحاً زبیری کشورها یسوسیالیستی و احزاب کمونیست مطرح کرده ایم و در اینجا همین قدر متذکر میشویم که موضعگیری برخی از این کشورها و احزاب در رابطه با جنبش انقلابی ایران منافی با اصول انترناسیونال مبارز پرولتری است.

رفقا، همزمان

خلقهای مبارز و تحت سلطه جهان

سازمانهای انقلابی و ترقیخواه

اجازه دهید سکوت شرم آوری را که هنگام سرکوب جنبشهای انقلابی و مردمی در عراق، مصر، سوئدان، عمان، اندونزی، بر - موضعگیریهای برخی سازمانها و احزاب حاکم بود، در مورد انقلابیون و جنبش مردمی ایران تکرار شود. سازمان یا حزبی که مدعی مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع - است باید با بدین واقعیت دودلی بیست باز آنه را رها کند و فادای خود را به آرمانها و سنتهای انترناسیونال لیبرال - و همبستگی ضد امپریالیستی ثابت نماید. آیا تجارب زیانبار، موضعگیریهای -

شرمگینانه برخی از جریانات هنگام سر - کوب کمونیستها و انقلابیون دیگر سوادنی، عراقی، مصری و اندونزیی... کافی نیست تا به وظایف انقلابی خود در معیار جهانی عمل کنیم؟ چه بسا لازم است که اسناد و موضعگیریهای سازمانها و احزاب بگوناگون را در دوران سرکوبیها یاد شده با ردیگر به قفاوت تاریخنگاریم.

بهر حال، آنچه به جنبش انقلابی ایران - که ما فداش را خلق نیز سخنگوی بخشی از آن هستیم - بر میگرداند، این است که از همان آغاز زبیر و زقیما مورویکا را مد ن رژیم جدید، تا جایی که امکان داشته ایم همه رفقای خود و همه دوستان را که فکسر میکنند در سنگر مبارزه با امپریالیسم - جایشی دوش آنها قرار دادیم، در جریان رویدادها، عملکردها و ماهیت رژیم جمهوری اسلامی قرار داده ایم، بیوزده در - مورد سازمان از دبیش فلسطین که در بالاترین سطوح نما بندگان آنها در ایران خود از نزدیک در جریان رویدادها پیوسته اند اکنون تعجب ما بیشتر از این است که چگونه این سازمان علیه غم اطلاع دخیفی که از او با عا بیا روسیاستهای رژیم دارد، تن به چنین موضعگیری غیر اصولی در - قبال کشتار و وحشیانه انقلابیون و زحمتکشان و خلقهای ایران می دهد؟

در پایان تردیدی نیست که ما حساب مواضع غیر اصولی برخی سازمانها و جریانات را از حساب همبستگی عمیق و انقلابی - خلقهای منطقه و جهان که همواره از نزدیک شاهد آن هستیم جدا می کنیم. ما به اتحاد برادرانه خلقهای ایران با آنها وفادار خواهم بود. همچنین، ما هرگز کمکه های ارزشمند و بیدریغی را که در شرایط مبارزه با رژیم گذشته از جنبشهای انقلابی و ضد امپریالیستی جهان بیوزده جنبش انقلابی عمان، ترکیه و فلسطین در یافت داشته ایم فراموش نخواهیم کرد. این کمکه بیوزده همراه بود با عمیق ترین احساسات گرمی بخش و حاکی از همبستگی بین المللی که ما را در ادامه راهمان مصمم تر می ساخت. ما همچنان تکه در گذشته با مشارکت عملی خود در این جنبشها نشان داده ایم در - آینده نیز همبستگی انقلابی خود را ادامه خواهم داد. شک نیست که اوچگیری مجدد جنبش انقلابی در زدودن دولتی هسنا و تردیدها شکی که اکنون در موضعگیری برخی نیروهای مترقی نسبت به او با عا ایران - دیده میشود، موثر خواهد بود.

● پایدار باد اتحاد همه زحمتکشان

● و خلقهای تحت سلطه جهان

● مرکز بر امپریالیسم جهانی بسرگردگی

● امپریالیسم آمریکا و پایگاههای داخلی آن

● زنده باد انقلاب

● سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

تیرماه ۱۳۶۰

از رفقا و هواداران سازمان در سراسر جهان می خواهم که نامه فوق را به زبانها - های مختلف ترجمه کرده و به تمام سازمانها و گروهها و شخصیتها و انقلابی جهان ارسال - دا رید.

سازشکاران بدانند کارگران بیدارند



حمی حگفت؟ حمی حه کرد؟ (۲)

تشدید ستم دوگانه، بر اقلیت‌های مذهبی

یکی از ممالکی که آیت الله خمینی در مورد آن وعده‌های بسیاری داده، نامین آزادی و تضمین حقوق برابر اقلیت‌های مذهبی بود.

اقلیت‌های مذهبی اگر چه به شکلی کامل و فعال، اما بهر رو، در مبارزات - توده‌ها جهت سرنگونی رژیم منحوس شاه و در شکل گیری قیام مهین ماه شرکت داشتند. در این جا مقصود بررسی علل عدم شرکت فعال اقلیت‌های مذهبی در مبارزات - توده‌ها، که میتوان ریشه‌های آنرا در مسائل فرهنگی این اقلیت‌ها، سالیان دراز سرکوبه تحقیر و جدا نمودن آنان از جامعه و وحشت آنان را زیر پای حکومتی مبتنی بر مذهب (که مسلما "مذهب آنان نبود) جست، نیست، اما بهر صورت آنچه مهم است اینست که عدم شرکت فعال اقلیت‌های مذهبی در مبارزات خلق به معنی عدم خواست زحمتمندان آنان در راه با ایجاد تغییر بنیادین در رژیم حاکم نبوده است.

توده‌های اقلیت‌های مذهبی در رژیم شاه در عین تحمل استعمار و غارت و حشیانه سرما به داری وابسته، در عین تحمل دیکتاتوری محمدرضا شاهی و عدم وجود آزادی‌های دموکراتیک، در عین تحمل بار سنگین و فیزیکی چیزی از زستی دیگر نیز جزم می‌کردند. اقلیت‌های مذهبی در رژیم شاه آزاد شدن آموزشگاهها و مدارس مخصوص بخود را امکان تحصیل، چاپ و نشر کتب به زبان مخصوص خود، و امکان دسترسی به برخی مسائل از جمله مناسب بانی مملکتی تا حدود زیادی محروم بودند، و در همین رابطه نیز آقا شاه را آگاه آنان خوانان ایجاد تغییراتی بنیادی در رژیم حاکم بودند، اما از سوی دیگر - تجارب عمیق تاریخی و ستم مذهبی و وحشیانه‌ای که از سوی رژیم‌های مذهبی در طول قرن‌ها حاکمیت آنان بر اقلیت‌های مذهبی رفته بود باعث ترس آنان از برقراری - رژیم "اسلامی" میگشت.

آیت الله خمینی که بدرستی از خواسته‌های اقلیت‌های مذهبی در رابطه با برخورداری از حقوق برابر اجتماعی با سایر شهروندان آگاه بود و همچنین وحشت آنان را از برقراری رژیم مذهبی مبتنی بر اسلام میدانست قبیل از قبضه قدرت حاکمه وعده‌های بسیاری به آنان داد تا بتواند از پشتیبانی آنان نیز برخوردار گردد. آیت الله خمینی گفت: "ما اقلیت‌های مذهبی در حکومت اسلامی میتوانستیم کلیه فرایض مذهبی خود را در آنجا عمل نمائیم و حکومت اسلامی موظف است از حقوق آنان به بهترین وجه محافظت کند" (مصاحبه با یونایتد پرس ۱۷/۱۲/۵۷) و همچنین گفت "آنان (یعنی اقلیت‌های مذهبی) هم مثل سایر مردم مسلمان ایران، ایران‌سوی محترم هستند" (مصاحبه با القومی العربی). آیت الله خمینی بدین طریق به اقلیت‌های مذهبی شنید و وعده‌های بسیاری، برخورداری از احترام و "حفاظت رژیم اسلامی از منافعی که از آنرا میدهد، آیت الله خمینی حتی با آفریننده و میگوید: "اسلام بیشتر از هر دینی و بیشتر از هر مصلکی به اقلیت‌های مذهبی آزاد دیده - است آنان نیز با ایداز حقوق طبیعی خودشان که خداوند برایشان نهاد داده است بهره‌مند شوند، ما به بهترین وجه از آنان نگه‌داری میکنیم" (روزنامه هلندی دیولت گرا نت ۱۶/۱۲/۵۷) و در نهایت نیز میگوید: "اقلیت‌های مذهبی نه تنها آزادند، بلکه دولت موظف است از حقوق آنان دفاع کند و دیگران بنگه هرا برانی حق دارد که ما ستم‌ها را فراد از حقوق اجتماعی برخوردار باشد مسلمان یا مسیحی، یهودی و یا مذهب دیگر

فرقی ندارد" (روزنامه آلمان نی دنیای سوم ۲۴/۱۲/۵۷)
بله! آیت الله خمینی در صورتی که بدرستی میدانست چگونه اسلام و حکومت اسلامی اقلیت‌های مذهبی را بعبودان - شهروندان درجه دو و حیسان میا آورد چگونه نه تنها حقوقی برابر برای آنان قائل نیست، بلکه آنان را در حد بردگان محسوب میدارد اما برای جلب حمایت اقلیت‌های مذهبی جهت کسب قدرت به فریب و نیرنگ متوسل شد، اما پس از کسب قدرت و پس از تکیه بر سخت حاکمیت، تمامی این وعده‌ها نیز چون سایر وعده‌های خمینی به فراموشی سپرده شد.

در دو سال و نیم رژیم جمهوری اسلامی اقلیت‌های مذهبی نه تنها تحقق هیچیک از وعده‌های خمینی و هیچیک از خواسته‌های خود را به چشم ندیدند، بلکه متحمل بدترین فشارهای ممکن نیز گشتند. آموزشگاه‌های ویژه اقلیت‌های مذهبی به تعداد محدودی که موجود بود کثرتا تعطیل شد. معلمین متدین به ادا نسی بغیر از اسلام (و حتی مذهب شیعه) به آنها نه اینکه "متدین به هیچ مذهب قادر نیست رسالت آموزش و پرورش مکتبی را به پیش برد" آرا چو از گار بر گنا شدند، نه تنها عدم امکان دسترسی به بسیاری از مسائل و دست‌های مملکتی برای اقلیت‌های مذهبی در قان اساسی ارتجاعی تثبیت شد، بلکه دور از مملکتی این قانون - نیز بسیاری از مراکز دولتی، وزارتخانه‌ها و حتی کارخانجات از استقرار اقلیت‌های مذهبی سر باز زدند. بدین طریق آیت الله خمینی که قبیل از کسب قدرت وعده برابری و آزادی به اقلیت‌های مذهبی میداد در جمهوری اسلامی تمام وعده‌ها بش را به فراموشی سپرد.

آیت الله خمینی رژیم بنا کرد که قان اساسی آن شهروندان را بر حسب مذهب آنها تقسیم میکند، اقلیت‌های مذهبی نه تنها از سوی رژیم جمهوری اسلامی مورد "حفاظت" قرار نگرفتند حتی آزادی اجرای مراسم مذهبی آنان نیز محدود گشت بطوریکه در بسیاری از موارد با توسط پادگان از اجرای مراسم مذهبی آنان جلوگیری به عمل آمد و با توسط - اخلال ایجاد شده است.

کار در جمهوری اسلامی به جایی رسید که نه تنها علیرغم وعده‌های خمینی دیگر مسلمان و یهودی و مسیحی و سایر مذاهب برابر حیسان نباشند، بلکه در لایحه ارتجاعی قضای اقلیت‌های مذهبی درج گردید که محسوب شده اند به صورتیکه قتل آنان توسط یک فرد مسلمان فقط متوجه پرداخت مبلغی پول به نام "دیه" یا پول خون است و شامل قضای و مجازات نمیشود. بله، لایحه قضای که آیت الله خمینی آنرا شلورا ستن اسلام میداند هموطنان اقلیت‌های مذهبی را تا حدیک برده و یک "شهروند پست" یا کین آورده - است.

اما سران جمهوری اسلامی به این هم بسنده نکردند و ندو لویج دیگری نیز رمورد - هر چه محدود تر کردن حقوق انسانی، اجتماع و سیاسی اقلیت‌های مذهبی تهیه نمودند. از جمله لایحه‌ای که اینک در یکی از کمیسیون‌های مجلسین ارتجاعی مورد بررسی است و بقول برای تعیین حقوق اقلیت‌های مذهبی تدوین گشته است. در این لایحه بعنوان مثال اقلیت‌های مذهبی حق زندگی کردن در خانه‌ای که در طبقه زیرین آن شخص مسلمان ساکن باشد ندارند، بدین طریق طبیعی ترین حقوق یک انسان یعنی حق انتخاب

مسکن نیز از آنان سلب خواهد شد. و بسا در شرایطی که تشریح جدا جدا مسلمانان ممنوع است تشریح جدا جدا اقلیت‌های مذهبی بلامانع می‌باشد. رژیم جمهوری اسلامی بدین طریق نه تنها برای اقلیت‌های مذهبی حقوقی برابر با مسلمانان قائل نیست، بلکه تمامی حقوق انسانی آنان را نیز با ایدال کرده است و آیت الله خمینی با تا شید تمامی این قوانین و اعمال ارتجاعی بدرستی ما هیت و چهره خود را نشان داده است. در مورد - مالیات، رژیم طری در دست تهیه دارد - که بهشتی در سخنرانی خود درباره سیمت مالیاتی به آن اشاره نمود - که در آن

اقلیت‌های مذهبی علاوه بر پرداخت تمامی مالیات‌ها با بدیهه رژیم جمهوری اسلامی "جزیه" نیز بپردازند - جزیه را هرگاه بخواهیم معنی کنیم با بدگفت پولی است که اقلیت‌های مذهبی فقط بدلیل نداشتن دین اسلام و مذهب شیعه مجبورند به رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی بپردازند تا حق نفس کشیدن در این کشور داشته باشند. تمامی این قوانین ضد خلقی تازه گوشه‌ای از "مواهی" است که آیت الله خمینی و رژیم جمهوری اسلامی برای اقلیت‌های مذهبی به ارمغان آوردند. از سوی دیگر در عمل فشارهای اجتماعی و تشفیقات بسیار علیه اقلیت‌های مذهبی روا میگردد. بسیاری از حقوق - اجتماعی آنان سلب شده و حتی در شهر - ستانها بنا بر فتوای بسیاری از آیات مرجع حق ورود به مسلمانان، حمام، میوه، فروشی و بسیاری از اماکن عمومی دیگر از آنان سلب شده است. آیت الله خمینی که وعده‌های حقوق و حتی "حفاظت" و نگه‌داری از اقلیت‌های مذهبی را میداد، رژیم بنا ساخت که در آن اقلیت‌های مذهبی در حدیک موجود "کنیف" و "تجس" تنزل داده شده اند.

این ستمها و نا برابریها، در جمهوری اسلامی نه تنها تفاقی است بلکه از ماهیت سیاسی - مذهبی این جمهوری برمی خیزد. اقلیت‌های مذهبی که تا قبل از قبضه قدرت مثل سایر مردم مسلمان - ایران، ایرانی و محترم بودند و اسلام بیشتر از هر دینی و بیشتر از هر مسلکی ... به آنان آزادی داده بود تا در حد بردگان و تنجهانند شدند و تنها حق حقوق اجتماعی آنان نیستان یا ایدال شد.

بهر رژیم جمهوری اسلامی در رابطه با اقلیت‌های مذهبی بخوبی چو گریه، ضد خلقی و ضد انسانی خود را نشان داده است. توده‌های اقلیت‌های مذهبی در رژیم جمهوری اسلامی علاوه بر استعمار و غارت و حشیانه سرما به داری وابسته، مورد ستمهای دیوانه و فئودالی و برده‌داری قرار دارند و از - این ستم‌ها که با سر تعویض نا پذیر در تجارب عملی خود به ما هیت ضد خلقی این رژیم پی برده اند.

اما زحمتمندان اقلیت‌های مذهبی با بدیدانند و روشنفکران آنها با بد این سالها در بین توده‌های خود تبلیغ نمائند که این ستمها نه ویژه جمهوری اسلامی، بلکه از ویژگیهای هر سیمت سرما به داری وابسته و هر سیمت ارتجاعی است. توده‌های اقلیت‌های مذهبی با بدیدانند که در رژیم‌هایی که به رهبری پرولتاریا و با اتکا به نیروی لایزال خلق ایجاد گردید، تمامی ستمهای دوگانه (ستمهای که بخاطر داشتن مذهبی غیر از مذهبی رسمی و دولتی بر آن روا میگردد)، استعمار، غارت، تبعیض و تفریق و ستمهای ستمها نا بودخواهد گشت.



رژیم جمهوری اسلامی: گامی در جهت احیای پیمان سنتو

گرفت. این مسأله زمانی روشن ترمیمی گردید که ها خمی رفسنجان میگوید "باید خیلی مواظب باشیم آنچه که الان در - افغانستان میگذرد زنگ خطری برای دو کشور است."

از سوی دیگرها خمی بزده از مسأله دیگری نیز میگوید، او با وقاحت تمام به توصیه خریدهای کلان تسلیحات - امیراللیستی توسط رژیم جمهوری اسلامی میپردازد و میگوید "در مورد خرید اسلحه حسابی ننهادیم و هر که دشمن دارد باید قدرت دفاع داشته باشد. وقتی حرکتی سیاسی درست باشد صحبت این نیست که چه سلاحی در دست است، مسلم است آقا رفسنجان نمی و سایرین که فقط یک قلمچک ۲۰ میلیون تومان میبکشند نباید هم نسبت به خرید اسلحه حسابی ننهادیم تا دشمنی ننهد ما با ها خمی رفسنجان تنها وقتا حتی شما ما با مواجحتی قابل تحسین! میگوید "هدف وسیله را توجیه میکند" و چه بهتر از این که هدف نزدیکی به امیراللیستم باشد. که در این شرایط اشکالی ندارد و راه این نزدیکی نیز توسط سلاحهای امیراللیستی و سرمایه های امیراللیستی هموار گردید و این درست همان حرفی است که تا هنوز میزد. تا هادعا میکرد در هی که بیپایا بود. در جهت خیر و صلاح مردم است در نتیجه - اشکالی ندارد که شما می شروت ملیسی و دسترنج زحمتکشان را به جیب امیراللیستم سرازیر کنند زیرا نیتش خیر است!

هرگاه توجه داشته باشیم مذاکرات ها خمی رفسنجان با کا ردا ربا کستان و اظهار تمایل او به خرید تسلیحات دست در زمانی صورت میگیرد که با کستان در حال مذاکره برای خرید هوا پیمای اف-۱۶ از آمریکا است آنگاه روشن میگردد که سخنان ها خمی در حقیقت معنایی جز نشان دادن یک چراغ سبز پررنگ به امیراللیستم ندارد.

بهر حال روشن است رژیم همانگونه که در داخل کشور سرعت هرچه تمام تر سرکوب عربیان و وحشیانه را جایگزین سیاست فریب و تحقیق نموده است بهمان صورت نیز در دیگر کمتر ازومی به پرده پوشی روابط خود با امیراللیستها و دولتهای دست نشانده آن نمیبیند. اگر تا بحال رژیم سعی میکرد همکارهای نظامی خود با کستان، مشارکت های خود با این دولت ارتجاعی جهت تسلیم و کمک به ارتجاعیون افغانهاست، تسلیم خلیانان ایرانی در این کشور (زیر نظر مستقیم آمریکا) و خرید تسلیحات نظامی از کتان با کستان را مخفی نگهدارد دیگر میتوان انتظار داشت که این سیاستهای فساد خلی را به شکلی بی پرده شروع و عربیان ترس به پیش برد.

برده امیراللیسم را در آغوش کشیده است. رژیمی که مبنای سیاست خارجی خود را بر دروغ و تزویر و عوام فریبی نهاده است، رژیمی که بر ضد پیمان ر وحشیانه لیسان بدست صهیونیستها به تسلیمانی حرکت کند میپردازد اما خود را با عادی بسیار وسیعتر و وحشیانه تر پیش از دو سال است که کردستان فریمان را با ربا کستان میکند. بهر صورت همانگونه که توده های خلق ایران که تا هدر سرکوبگرها و کشتارها عدا میا، شکنجه و برقراری ا ختلاق و سانسورد را برانند دیگر فریب ایست - تبلیغات و دروغپردازیها را نمی خورند مسلم است که بازتاب خارجی اعمال وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی چهره واقعی آنرا به تمامی خلقهای جهان نیز خواهد شنا ما ند.

رژیم جمهوری اسلامی اینک بر اثر از دست دادن سریع و روزافزون با یکسای خود در میان توده ها به سرکوب عربیان و وحشیانه روی آورده است. رژیم اینک برده ها را به کتا ریزده و ضمیر را از رو بیست است. در همین رابطه نیز هر چند بحال سعی داشت بر روی روابط خود با امیراللیسم و نزدیکی با دول دست نشانده و کشورهای وابسته به امیراللیسم رنگ و لعابی ضد امیراللیستی بزند، اینک دیگر خود را - چندان به این امر نیا زمند نمی بیند. - اینک رژیم و قیحا نه تمامی سعی و کوشش خود را در جهت هر چه نزدیکتر شدن به امیراللیستیها بکار گرفته و در این راه از افشای چهره کر به و ضد خلقی خود نیز بیبسی بدل راه نمی دهد.

از جمله نمونه های بارز این مسأله ملاقات ها خمی رفسنجان سی رئیس مجلس و از سران حزب جمهوری اسلامی با کا ردا ر - سفارت پاکستان میباشد. که در روزنامه کیهان شب ۲۷ تیر ما ه منعکس گشته است. ها خمی رفسنجان در این ملاقات از یکسو اعزاز میک هیئت "بلند پای" به پاکستان را جهت تدا و موشدید همکارید و دولت مورد تا شید قرا ردا ده و تا کید میکند "مادو کشور مسلمان و همما به هستیم، با بدیا هم همکاریم و در حل مشکلات منطقه و کمک به مردم تردید نداریم" و همچنین معتقد است که هر چه شما سها در "سطوح بالاتر" انجام گردد مشکلات و مسائل زود تر و سریع تر حل خواهد شد.

چهره کر به ضیا الحق کودتا چی، این دست نشانده آمریکا، سرکوبها و کشتارها و وحشیانه اش، حکومت نظامی اعمال شده در پاکستان، ا ختلاق و تزویرا که بر این کشور و این مسأله که اینک با کستان در منطقه زهمترین با یکسای آمریکا - ست، بخوبی نشان میدهد که چگونه حکام ایران در سیاست خارجی خود بدنیال همکار - هر چه وسیعتر با مرتجعین و همچنین نزدیکی هر چه سریعتر به امیراللیسم اند. هرگاه هنوز یکی سریع و روزافزون رژیم جمهوری اسلامی به کستان این با یکا امیراللیسم را که نمودار ز خود را در همکار ی - نسنزدیک و ممیما جهت تسلیم، مسلح کردن و کمک مالی به مرتجعین و "اسا پروردگان" افغانی با زمینیا بد در نظر بگیریم و آنگاه ببینیم که رژیم چگونه با کستان دیگر تاملات بسیار جهت نزدیکی با کودتا چیان آمریکا برورده - ترکیه نشان میدهند، آنگاه به درستی می توان انتظار داشت که جمهوری اسلامی مستکرا حیای پیمان ارتجاعی و ضد خلقی ستودر منطقه گردید که مسلمان "بنتا ردر - زیر پوشش" خطرات کستان در منطقه " و لزوم" اتحاد رژیمهای مسلمان شکل خواهد

از این مبارزات را گرفته است خود عامل وجود فقر و روزافزون، گرانگونی کمزگن و بیکاری در با عادی و رنگردنی در ایران است. مگر غیر از اینست که توده های ایراند بر علیه سلطه امیراللیسم بسیار خاسته اند و در راه آزادی مبارزه میکنند رژیم جمهوری اسلامی که بدروغ از مبارزات ایراندیها دفاع میکند خود عامل تشدید وابستگی روزافزون به امیراللیسم، عامل عقد قرا ردا های اسارتی، عامل خرید سرام و تسلیحات امیراللیستی است. رژیم عامل سرکوب زندان و عدا م های وحشیانه در ایران است. و این تنها گوشه ای بسیار کوچک از چهره کر به سرکوبگر و ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی است. - رژیمی که در سوغهای تبلیغاتی اش بر سر ضد امیراللیسم فریاد میزند اما در پیس

حمایت از ایرلند فریبی دیگر

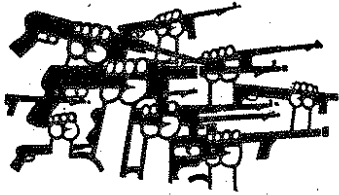
هایوهی تبلیغاتی رژیم کوش فلک را کرده است. و یکی از صدا های نا هجا ربوغ بزرگ تبلیغاتی جمهوری اسلامی حمایت از مبارزات خلق ایرلند است. رژیم بدروغ سنگ مبارزین ایرلندی را بسینه میزند، فیلم مبارزات آنها را - پخش میکند و فحش و تازانها را انگلیس می نماید. رژیم سعی دارد عوام فریبانه خود را ضد امیراللیست و حامی مبارزات ضد امیراللیستی - دموکرا تیک خلقها جا بزند، اما این سیاست ها حدا قل برای توده های خلق ایران که سیاستهای سرکوبگرانه و ضد خلقی رژیم را با گوشت و پوست خود لمس می کنند، نمیتوانند بجز انفعالی بیش از پیش چهره رژیم را نشه سران رژیم چیزی به ارمغان آورد. محک است که رژیم جمهوری اسلامی پرضد امیراللیستی و حمایت از مبارزات خلق ایرلند را میگرداند و سوی دیگر قرارداد مسیلیا رد دلاری تا لیبوت را بنا همان امیراللیسم خوشخوا را انگلیس اضا می کند. قرا ردا دی که خود گام قابل توجهی در جهت جلوگیری از ورشکستگی کمپانی های امیراللیستی است.

رژیم از سویی در ساری حقیق و زندانیان سیاسی در ایرلند قرا ردا می دهد و از مبارزات آنان تمجید می کند و از سوی دیگر خود را بران نه تنها انقدر جوانان مبارز را رگا رگان رزمنده و نیروهای انقلابی را به بند کشیده که زندانیان شاهنشاهی برای کفا فحشی دهد و میبویا است استادیونها را به زندان بدل سازد، بلکه کوقویترین حقوقی نیز برای زندانیان سیاسی قابل نیست و این همان حقوقی است که مبارزین ایرلندی جهت کسب آن مبارزه ای تا پای جان را به پیش می برند. رژیم زندانیان سیاسی را دسته دسته در دگا های در بسته و چند طبقه ای محاکمه میکند و به جوخه های اعدا می سپارد. رژیم کسه در قلمهای تبلیغاتی خود بر علیه شکنجه در زندانیان ایرلند ادا سخن میدهد خود شکنجه را به شدیدترین وحشیانه ترین صورت آن در زندانیها، در خانه های امن در کمپنها و پاسا در خانه ها و حتی در کوچه و خیابان بر علیه مبارزین و انقلابیون بکار می برد.

رژیمی بر ضد نیروهای وحشیانه ارتش انگلیس به خلق مبارز ایرلند، فریاد دردا شده است که خود توسط نیروهای سرکوبگر با سخرندای اعتراضی را با گلوله میدهد، کا رگان و زحمتکشان را - کشتار میکند، تظاهرات مسالمت آمیز را بخون میکشد، با تدهای سیاهت به وحشیانه ترین شکلی به توده های انقلابی و مبارزین می برند، مردم حتی در - خانه های شان از دست نیروهای سرکوبگر رژیم در مان نیستند، خانه گردی و تفتیش بدنی جزو اعمال روزمره رژیم در آمده - است.

رژیمی از مبارزات رنگینس پوسان در انگلیس حمایت میکند که حق هرگونه اعتماد، تظاهرات و اعتراضی را از توده های خلق سلب کرده است. تمامی تشریحات انقلابی را به محساق تویف کشا نده و هرگونه مبارزه انقلابی را شدت سرکوب می کند.

با بدیر رسید مگر غیر از اینست که زحمتکشان رنگین پوسان انگلستان بر علیه فقر، گرانگونی و بیکاری بیبا خاسته اند رژیم جمهوری اسلامی که بدروغ پرضما بست



توطئه‌های صهیونیست‌ها، امپریالیست‌ها و ارتجاع عرب در نابودی جنبش فلسطین محکوم به شکست است

بقیه از صفحه ۱

سلاح فلسطینی‌ها است دست‌به‌دست و او ز سوی دیگر تلاش اینست که با کینین زحمتکش این نواحی را مجبور به ترک خانه‌های - خویش بنماید تا بدین وسیله خلق فلسطین را از متحدین و حامیان لبنان‌نیش محروم کند.

حملات وحشیانه اخیر که به بیانه استقرار موشکی‌های سوری در خاک لبنان انجام گرفت و ادعای اینک وجود ایمن موشکها تهدیدی برای "امنیت اسرائیل" است، در واقع اقدام جنایتکارانه‌ایست که همه‌ها هنگ با سیاست نوین میکسری امپریالیست‌ها در منطقه و با تائید ارتجاع عرب جهت سرکوب انقلاب فلسطین، جنبش مترقی چپ لبنان و تضعیف نیروهای انقلابی در منطقه عربی طرح‌ریزی شده است، زیرا بر هیچکس پوشیده نیست که سرورمیا نه برای امپریالیسم آمریکا تبدیل منابع سرشار نفت و بازرگانی و سلطه‌اش از اهمیت خاصی برخوردار - بوده و بنا بر این حفظ کنترل برای منطقه دارای اولویت قابل توجهی می‌باشد. هر چند دولت آمریکا با صدور بیانه‌ای از جمله اسرائیل به جنوب لبنان "اطهار تا سف" کرد و خواستار برقراری آتش‌بس در منطقه شد ولی این حرکات دیپلماتیک نمیتواند مردم جهان را بفریبد، زیرا مردم جهان می‌بینند از یکطرف دولت آمریکا "اطهار تا سف" میکنند و از طرف دیگر هواپیماهای اف - ۱۶ برای رژیم صهیونیستی تل آویو ارسال میدارد. روزنامه واشنگتن پست نوشت: "دولت ریگان تصمیم گرفته است ۱۰ فروند جت اف - ۱۶ (و از جمله چهار فروند جت جنگنده راکه ارسال آن پس از حمله اسرائیل به نیروگاه هسته‌ای عراق در ماه گذشته متوقف شده بود) را به رژیم اسرائیل تحویل دهد. چه چیز گویا تر از این اقدام میتواند نشان دهد؟ واقعیت اینست اسرائیل نشان دهد؟ واقعیت اینست که رابطه دولت اسرائیل و آمریکا رابطه خادم و مخدوم است و چنانچه اختلافی بین این دو بروز کند صرفاً در جهت مسائل تاکتیکی و احیاناً "تأیید فرامانی خادم از مخدوم خواهد بود.

اما علت وضع بحرانی کنونی در - لبنان را باید یکی در سیاست ضعیف کردن نیروهای رزمی فلسطینی‌ها که در ماه‌های اخیر از قدرت و انسجام و یکپارچگی بیشتری برخوردار بوده‌اند است و دیگری تلاشی است که در جهت اجرای مرحله دوم قرارداد کمپ دیوید صورت می‌گیرد. هدف اینست که با اعمال فشار به فلسطینی‌ها در لبنان و بمباران اردوگاه‌های بی‌بناندگان فلسطینی و تلاش در جهت خلع سلاح فلسطینی‌ها، سازمان آزادیبخش فلسطین را وادار کنند راه‌حلهای سازشکارانه امپریالیست‌ها، صهیونیست‌ها و ارتجاع - عرب را بپذیرند. این "راه‌حله" عبارتست از قبول قرارداد کمپ دیوید، طرح خود مختاری فلسطینی‌ها در ساحل غربی رود اردن و شناسایی اسرائیل، ارتجاع

فلسطینی‌ها، این "راه‌حله" در عین حال در ارتباط با برنا مه در از مدت امپریالیسم آمریکا است که سعی در حضور مستقیم نظامی خود را در منطقه‌ها و رمیا نسه در ارتباط با طرزنجیره‌ها و یگان‌های در اطراف اقیانوس هند (عمان، سومالی، کنیا و دیوگو گاریا) هماهنگ سازد. تشکیل نیروی - چند ملیتی با همکاری دولت مصر و اسرائیل و پشتیبانی دولتهای مرتجع عرب در همین رابطه صورت گرفته است. این نیرو که قرار است در صحرای سینا استقرار یابد، از ۳۰۰ نفر منجمله هشتم (۸۰۰) آمریکا می‌شکلی شده و هزینه آن معادل ۱۰۰ میلیون دلار در سال خواهد بود. دولتهای ارتجاعی عرب، ضمن نکوشن ظاهری حملات رژیم صهیونیستی و دفاع عوامفربیانها از مردم لبنان و انقلاب فلسطین، در واقع تائیدکننده سیاستهای تاج و زکرانه صهیونیست‌ها و امپریالیست‌ها هستند. کنفرانسهای اسلامی که چندینبار در مکه و طائف برگزار شد و لائیکها می‌بود برای تاورها و ارتجاع عرب، نیروهای ارتجاعی عرب همه کوششان این بود که تحت پوشش اسلام و عربیت همسنگی "رسمی" عرب را با رژیم سازی کنند. قطعنامه‌های صادره از سوی این کنفرانسها تماما "بیاننگرایمن حقیقت است که ارتجاع عرب اعتقادی به مبارزه قاطعانه علیه اسرائیل نداشته و تنها حاضر است در حد مبارزه قاطعادی و دیپلماتیک اقداماتی انجام دهد، از سوی دیگر سخنان ایمن سرکیس در کنفرانس، خود چراغ سبزی بود برای حملات گسترده علیه جنبش مقاومت فلسطین در لبنان. زیرا در مقابل قدرت گرفتن فلسطینی‌ها نه دولت لبنان قادر به مقابله است و نه فلالانزیت‌ها، از اینرو از دیدمناست سرمایه‌داری لبنان، اسرائیل نیروی است که میتواند این نقش سر - کوب را بازی کند. بی‌جهت نیست که می بینیم سرکیس گستاخانه در مورد "خطر حضور فلسطینی‌ها در لبنان" سخن گفته و در توضیح واقع لبنان، نقش خائسانه سعدها دفاعیست را در همکاری با اسرائیل لاپوشانی میکند. او حتی به اسرائیل که خطرواقعی برای استقلال و حاکمیت لبنان است اشاره‌های نکرده و از سخن گفتن درباره اینکه چریکهای فلسطینی و مبارزان انقلابی لبنان هستند که در مقابل تاج و زرات اسرائیل و سعدها استادگمی میکنند، طفره رفت.

خوما "نیروهای انقلابی در درون سازمان آزادیبخش فلسطین وارد میشود. با آنکه سیاستهای ارتجاعی دولت‌های مرتجع عربی آنچنان عیان گشته که دیگر جای تردید در ماهیت آنها باقی نمیگذارد، لکن جناحهای سازشکار در درون جنبش فلسطین همچنان به سیاست‌های سازشکارانه و کشاندن مبارزات - خلق فلسطین به سطح دویندهای سیاسی ادامه میدهند و هنوز همچنان امیدوارند که از دولتهای ارتجاعی عرب یاری بگیرند. سیاستی که امروز خواستار تشکیل اجلاس اسرائیل و کشورهای عرب به منظور رسیدگی به بحران لبنان و تدوین یک طرح دفاعی مشترک در مقابل نا رژیم نو - (رژیم اشغالگر) و حملت کا بوی منشا نه آمریکا "نیما" میگردد و اعلام میدارد که در غیر این صورت "این درگیری‌ها می تواند به جانی رسد که بسیاری از برنا مه‌ها و روشها تغییر یابد". "دقیقا" برپایه همان سیاست سازش طلبانه جناح راست درون جنبش فلسطین است. جناحی که زمانی از فعالیت مجدد کمیت مشترک اردن و سازمان آزادیبخش استقبال می کرد. * * * اتخاذ چنین سیاستی در واقع مشروعیت بخشیدن و آب تویبه ریختن بر رژیم صهیونیستی و مرتجع منطقه است که خود ما نمی‌مهمی در برابر حقوق خلق فلسطین هستند. و در حالیکه هنوز خا طره شوم کشتار رسبنا میسر سیاه که توسط رژیم دست نشانده اردن به کمک سایر دولتهای مرتجع عرب علیه انقلابیون فلسطینی از یاد نرفته‌ما زش کاران، با زار همگاری با سران کشورهای مرتجع منطقه در راه‌حلهای سیاسی سخن می‌گویند.

سرانجام پس از دو هفته جنگ و درگیری روز جمعه گذشته آشوب برقرار گردید. هر چند این آشوب بس بیدرگیری کنونی خاتمه داده و سازمان آزادیبخش فلسطین هم‌قول داده است آنرا مختوم بشمارد ولی تا وقتی که دولت صهیونیستی اسرائیل از مناطق اشغالی جنوب لبنان عقب نشینی نکرده و سرگرد مزدور سعدها د به اقدامات توطئه‌گرانه‌اش با حمایت اسرائیل و فنانزیت‌های لبنان ادامه میدهد، این آشوب تنها میتواند برای مدتی کوتاه حفظ شده و نیروهای فلسطینی و نیروهای انقلابی در لبنان نمیتوانند چنین آشوبی را که بمعنی قبول تسلط اسرائیل است بپذیرند.

امروز خلقهای عرب و انقلابیون - فلسطینی علیه غم‌هیران سازشکار و مرتجع خود در پیافته‌اند که شکست برنا مه‌های صهیونیستی - امپریالیستی، تنها در همکاری هر چه نزدیکتر و موثرتر نیروهای مترقی در لبنان و انقلابیون فلسطینی و با آنکه به جنبش توده‌ای و خلقهای تحت ستم عرب و سایر خلقهای جهان نهفته است.

* با سرعفات * * * هاشمی الحسن * * * خالد حسن * * *

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا
ویایگاه داخلیش



توضیح

این بخش از مطلب مربوط به بررسی و تحلیلی از جنبش کارگری در سال گذشته می‌باشد قبل از چاپ مطلب به کارکنان و جمعی بندی نهائی چاپ می‌شد که متأسفانه به چاپ نرسیده و در این شماره چاپ می‌شود.

از اردیبهشت سال پیش همراه با تهاجم کلی ضد انقلاب در سطح جامعه، شوراها نیز مورد یورش قرار می‌گیرند. بورژوازی طی این یورش خود موفسقی گردید و اغلب اتحاد انقلابی شوراها را سرکوب و منحل کرده و اگر در رشته‌هایی چون نفت یا صنایع دفاع، اتحادشوراها نتوانستند با برجا بمانند، از دامنه عملک‌گردد. انقلابی‌شان کا سته و با اساسا "بسه" شوراها ی زرد و فرمایشی بدل گشتند. بسیاری منحل، تعدادی زرد و بقیه بدلیل فشار سرکوب و اختناق بورژوازی نداشتن پشتوانه‌ای چون "اتحادشوراها" عملاً نتوان گشتند.

با این وجود بعلمت عدم تشبیت و پیروزی کامل ضد انقلاب شوراها همچنان به حرکتان ادامه دادند. وجود بحران اقتصادی، هرج و مرج سازمان اقتصادی و سازمانهای اداری و زمینه وجود قدرت دوگانه اقتصادی در کارخانجات خود بخشی اساسی از مبارزات کارگران و شوراها ی واقعی را همراه داشت. چنانکه در همین رابطه مبارزه کارگران و شوراها برای کنترل کارگری ب مفهوم عام، ادامه و تشدید شد. تا جائیکه در مواردی و به طور گسترده کارگران خودکنترل کارخانه‌ها را در دست گرفتند. اگرچه این امر درک کارگران از اینکه بدست آوردن شرایط زندگی بهتر تحت شیوه‌های مدیریت و نظم بورژوازی غیر ممکن است را نشان می‌دهد، و از جنبه دیگری به رهاپوشی کارگران با دولت سرما به دارن می‌انجامد، اما بدلیل وابستگی صنایع ایران از نظر مواد اولیه، تکنولوژی و غیره و مشکلات و موانعی که سرما به داران و دولتشان در امر تولید و توزیع ارسوزی سازماندهی ناکافی، فقدان تجربه و تشکیلات قدرتمند پرولتری از سوی دیگر مبارزات کارگران در این عرصه دروجه غالب به شکست و عقب نشینی تسود ه کارگران منجر شد. اما با اینهمه وجود تشدید بحران، تناسب قوا، ناتوانی مدیریت و نظم بورژوازی حرکت کارگران را برای دخالت و نظارت در امر تولید کاتلا" سبب گشت و بطور کلی زمینه عینی کنترل تولید کاتلا" مهیا بوده و هست.

یکی از ویژگیهای حرکت شوراها در دوره پیش و پس از سرکوب و حشانه رژیم جمهوری اسلامی، عقب ماندن شوراها از حرکت کارگران میباشد. بدین ترتیب مشاهده می‌کنیم که در دور پیش و بخصوص با اوگیری مبارزات تنوع کارگران، مبارزه از حد توان و رهبری شوراها ی انقلابی نیز گذر کرده و آنها قادر به رهبری و هدایت مبارزات و پاسخگویی به نیاز مبارزاتی کارگران نیستند. عمده ترین دلیل این امر از یک سو در نبود پیشینه قدرتمندی همچون اتحاد شوراها و از سوی دیگر توطئه‌های گوناگون حاکمیت میباشد.

اما در یکسال گذشته مبارزه کارگران نیز در برابر بورژوازی برای حفظ و تشکیل شوراها جریان داشت و همچنان شوراها به شکل عمده پرولتاریا بشمار می‌رفتند. در مبارزه برای هر خواست صنفی مسئله تشکیل شورا برای کارگران مطرح گردید. مخصوصاً از دیماه با این طرف یا اوگیری

خرید اسلحه از اسرائیل

در هفته گذشته یک هواپیمای آریائتی که اسلحه و لوازمی برای ایران حمل می‌کرد در منطقه آرمستان شوروی سقوط کرده است. رادیه‌های خارجی محموله قوق را با لنگ برده ۱۵ میلیون لیره تلیجات و لوازمی خریداری شده از اسرائیل اعلام کردند. و رادیه‌ها را نیز گفت که هواپیمای فوق بدلیل مانورهای خطرناک تصادف کرده است. از سوی دیگر بهزاد نسوی در مصاحبه هفته گذشته خود در باره سخنرنگاری مبنی بر خرید اسلحه از اسرائیل گفت: "امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها از نظر جهانی نیز سعی دارند که موضع جمهوری اسلامی را لو ت کرده، ما را طرفدار غریب نشان دهند، بطوریکه مثلاً "رادیه‌ها اسرائیل می‌کنند که ما از طریق واسطه‌ها از اسرائیل اسلحه خریداری کرده ایم و -

غیره در حالیکه گروا فعا "ما با اسرائیل رابطه داشتیم و با چنین معامله‌ای با اسرائیل صورت گرفته بود، هیچوقت خودش آنرا مطرح نمی‌کرد می‌گذاشت دیگران مطرح کنند." (کیهان سه شنبه ۳۰ تیر) تکذیب این خبر و بدین حال سقوط هواپیمای آریائتی حاصل اسلحه‌گویی واقعی است که بنحوی ارتباط این دو مسئله را با زگو می‌کند. اما رژیم جمهوری اسلامی تلاش دارد که با ادعاهای تسلطی را از چشم مردم پنهان نگه دارد چرا که اینگونه فرا رداها که عمدتاً "بسا امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها می‌باشد، پوشالی بودن شعارها و ضد صهیونیستی ضد امپریالیستی رژیم را عیان خواهد ساخت و بیش از پیش عوام فریبی‌های رژیم را برملا خواهد نمود.

پیشمرگان فدائی و دموکرات پایگاه رژیم را درهم کوبیدند

استقامت گذشته، اذیت و آزارها ساداران در مدت ماه رمضان چندبرابر شده است و تا بحال بیش از صد نفر تظلم هر جمعه روزها خواری شلاق خورده‌اند. پیر مرد ۷۵ ساله را در نظر مردم سیلی زده اند که با عتس خشم مردم و اعتراض آنها گردید. سیگازها را با دست و گردن شخا می‌که سیگار می‌کشند خا موش می‌کنند، با ساداران دانشم در حال با زسی مردم اند و حتی داخل منازل را نگاه می‌کنند و با رها بداخل منازلها یورش برده‌اند، بطوریکه گهائی به ادارات رسمی زندانها کارمندی را در حال سیگار کشیدن پیدا کنند. ارسطوستانا زهر، با رها ازادیو و تلویزیون در این مورد و موارد دیگر مردم را تهدید کرده است و از کم توجهی مردم و بی‌فروتنی آنها به مجالس ختم... اظهارنا را حتی کرده است. (۵۰٪ کارمندان) با توجه به مکان اخراج، زرفتن بسه چنین مجالسی خودداری می‌کنند. در ده هفته گذشته ۵۰۰ پیشمرگان رژیم را به سندن چهره زده اند که بعد از هر ضربه تمام جوانهای محل ضربه را چند روزی با داشت کرده‌اند. بکیا و کومه، سه بار دموکرات و فدائی (که شرح آن جداگانه آمده است) مشترکاً "به شهرومپ بنزین ضربه زده‌اند.

در تاریخ ۲۷/۴/۶۰ هتکا مشطی یک عمل مشترک توسط پیشمرگان فدائی و دموکرات پایگاه به پبن بنزین واقع در ۵ کیلومتری سندن در محور سندن چرمان شاه با اسلحه‌های آر- پی - جی، نارنجک انداز و سلاح میک در هم کوبیده شد در این درگیری که بعد از ساعت بطول انجامید بیش از ۵۰ نفر از ساداران رژیم کشته و زخمی شدند. شیروهای سرکوبگر رژیم در این پایگاه به مزارع و ساختمانها ی طرف با توپ و خمپاره شلیک می‌کردند و تعدادی خرمن را به آتش کشیدند. صبح روز بعد اجساد ارتشیان و پیا ساداران توسط هلیکوپتر به قروه منتقل شد. در این درگیری به پیشمرگان هیچگونه آسیبی وارد نیاد و پیشمرگان ساله با یک خود با گشتند.

امسال بیش از ۹۰٪ دانش آموزان سندن در مورد تجدید شده‌اند. بطوریکه از هر کلاس تعداد قبول شدگان به ۵ نفر نمی‌رسد. تمام ناظرین امتحانها ساداران بودند و بعضی کوچکترین حرکتی از جانب دانش آموزان (حتی سر بلند کردن) آسای آنها را یادداشت کرده و مورد آسای نموده‌اند، بطوریکه مردم ساداران را

عمومی و مبارزه برای آن در اغلسب کارخانجات شکلی فعال جریان داشت. مسئله تشکیل شوراها ی انقلابی شرایط نمایندگان شورا و بحث درباره جریانهای سیاسی موجود در کارخانه و مواضع آنها و مسئله تجدید انتخابات بیش از گذشته موضوع بحث کارگران واقع گردید. تنها در کارخانه تراش پیک کارگران در سال گذشته شش بار انتخابات جدید برگزار کرده و شورای جدید تشکیل دادند. بدینسان اگرچه حاکمیت از کلیه وسائل و ارگانهای متفاوت از فریب تا سرکوب، از ساداران تا وزارت کار و غیره همچنان برای یورش و اختلال شوراها ی انقلابی و جلوگیری از تشکیل اینگونه شوراها استفاده خواهد کرد. اما بدون شک مبارزه برای شوراها ی فطری همچنان یکی از محورهای جنبش کارگری بوده و همراه با ارتقاء این جنبش و تغییرات سب قوا این امر جاسه عمل خواهد بود.

و گسترش مبارزات طبقه کارگر، تشکیل شورا بیش از پیش از سوی توده کارگران پیگیری شد. خواست عمومی طبقه ساداران سود ویژه بستر مناسبی برای حرکت هر چند خود انگیخته و غیر هدفمند تعدادی از شوراها برای ارتباط با یکدیگر گردید. درگ توده کارگران از تشکیل مستقل ساداران سازمان یافته بوسیله خودشان ارتقاء یافت. در همین رابطه انجمنهای اسلامی در دوره پیش اساساً " بعنوان یک شکل کارگری از سوی آنها ب حساب نمی‌آیند " کانون هماغه شوراها ی اسلامی و " کانون شوراها " که بوسیله مادی حاکمیت سازمان یافته‌اند، با وجودیکه تعدادی از شوراها را در بر میگیرند، لیکن در رابطه با همین درگ، توده کارگران بدانها بی اعتنا بوده و توجیشان را بر زمین انگیزد. مسئله ارتباط توده کارگران با شوراها یکی دیگر از مسائل کارگران در این دوره است و بدین سبب تشکیل مجامع

نتایج انتخابات و بی آمدهای آن

بقیه از صفحه ۲

اینبار نیز چون انتخابات میان دوره‌ای با عدم حضور فعال و گسترده خودپسای صندوقهای رژیم - که در مقابل همه بی‌انتخابات ریاست جمهوری گذشته و مجلس شورا بسیار چشمگیر بود - انزاجا خود را از حزب رستاخیزی جدید و از رژیم سرکوب به نمایندگی نشان ندادند. توده‌ها بدستی نشان دادند که دیگر آلت دست و ملامت نخواهند شد، و تین به استخبات ساختگی نخواهند داد. بخوبی نشان دادند که رژیم و تمامی نهادها پیش را به رسمیت نمی‌شناسند. اما بخشی از مردم نیز، هر چند غیر قابل بخشی با انتخابات قبلی ریاست جمهوری و مجلس - بیای صندوقهای پرای رفتند.

در اس این بخش از مردم و بعنوان ثابت قدمترین عناصر آن میتوان از ضامن رژیم، چون پساداران، بسیجی‌ها و سایر چهره‌خواران رژیم - مسلماً - به همراه خانواده‌ها، یاران و همچنین تجار هوادار حزب جمهوری اسلامی و تنمعه‌خرد - بورژوازی سنتی شهر و ده که هنوز بدنیال رژیم روانند تا مبرد. در این میان گذشته از مزدوران رژیم، اقشار روستایی که به علت ذهنیت عقب مانده، شوهرات ریشه‌ها رمدی و ایستایی فرهنگ فتودالی‌ها کم بر آنان بمیزان وسیعی زوده‌های کارگزاران رژیم، اقشار روستایی که کمیت قابل توجهی در ترکیب رای -

هنگام تشکیل میدهند. بیش از هر چیز هر چه فتاوی آتبات عظیم "کارت زودبواز هم این زنجیر مذهب بود که تا آنگاه هترین و عقب مانده ترین اقشار را علیرغم فشار طاقت فرسای زندگی، سرکوبها، کشتارها و بمانش جنگ به امید "شاپ آخروی" و زوحشت عذاب الیم "به پای صندوقها کشتانید. اکثریتی‌های راست و توده‌های خاش نیز علیرغم توری آخری که از رژیم خورده و منتظر لوکاها دیدن - حذف شدند با هم چون سگانی و فادار در صندلی چیری بر آراء رژیم افزودند. شایعه و جو ارباب ایجاد شده از سوی رژیم نیز تا حدی کار ساز افتاد. در میان طیفی که بر اثر وخت و فقط بخاطر مهر خوردن شناخته به پای صندوق رفتند اکثریت با کارمندان دولت بود - که از وخت استیکه آنان -

خوردن نیفتند "با آگرا همسایه بی‌سای صندوقها رفتند. هر چند که در صندلی چیزی از کارگران نیز بهمین خاطر ایدادند. اما در صدمی از لیبرالها را نیز میتوان به این طیف افزود. اما بهر و مردم و از - جمله آنان که از ترس اخراج و حذر عسی و عواقب نامعلوم شایه‌های صندوقها رفتند، شیوه‌های خود را ارائه دادند و بهر طریق انزاجا خود را از رژیم سرکوب و شرور به نمایش نهادند. انداختن برگ‌های سفید، تمسخر رژیم، نوشتن سازا، رای دادن به "ام‌زمن" و "خدا" و ...

شیوه‌هایی بود که این طیف بکا رستند و رژیم را داشتند آراء ساختگی اعلام شده نیز در صدمی لایه ربه آراء، باطل و متفرقه اختصامی دهد "با طلبها و متفرقه‌ها" رای بیشتری از کارندیدای منفسور جزئی عسکرا و ولادی - و حتی پرورش - کسب کردند.

از سوی دیگر رژیم در بسیار ایام آن که میتوانست با زور تهدید، فرمان و امریه و سرنیزه شکنجی عربیان اخدرای - اجباری را به پیش برد و از آنجمله بودند پادگانها، جبهه‌ها و برخی روستاها.

ارتشیان، سرپا زانودرجه‌داران کاستا امروز به گفته خمینی حق دخالت در سیاست را نداشتند در اینجا که پای رای پیش آمد با زور سرنیزه به پای صندوقها برده شدند. فرمان ستاد مشترک مبنی بر اینکه دستور شرعی خمینی - یعنی دستور مستقیم فرمانده کل قوا - لازم الاجراست، خود را زبیش بیا نگر و تسل رژیم به سرنیزه و تهدید عربیان بود.

اما تمامی این حیلها، تهدیدها و ارباب نیز کار ساز واقعی نبود. عنیات آنچنان ملموس و خردکننده اند که به تهدید و ارباب تسلیم نمی‌گردند، فقر - گران، بیگاری و آوارگی، سرکوب، کشتار، دستگیری و اخراج و دست آخرها عدم - های فاشیستی رژیم کشتار کودکان کم سن و سال و بیگوله بستن زنان حامله، زخمی‌ها و بیما ران هرگاه تا شیری بجز این بر ذهنیت و حرکت توده‌ها مینهادند. عیب و غیر قابل قبول بود. اینبار نیز رژیم چون انتخابات میان دوره‌ای طعم خشم و کین توده‌ها و ضربه عدم اعتماد - آنان را چشید.

دیگر صحنه‌ها تکرار است، بوغ و کرنای رژیم، پیروزی بزرگ خا رچند مفتضحانه رجا شای ز صندوق، خوش آمدگویی چندش آو مجلس به "ائتلاف بزرگ" و همه اینها به خرج ملت و از کیمه "امت" اما چه باک که اینبار به شکلی وسیع توده‌ها در - عمل شکست را تجربه کردند، توده‌هایی که در انتخابات قبلی خود را عتدا در صدمی ایستادند - مبتنی بر توهم خویش را در صندوقها ببینند زنده، اینبار دیدند که ایدف های طولانی خبری نیست. اینبار دیدند که انتخابات زندگی عادی را چندان هم تحت الشعاع قرار ندادند. هر چند که رژیم کوشید با سنگربندی شهرها وضع را غیر عادی جلوه دهد، اینبار توده‌ها در عمل - دریا فتند آرای که از صندوق بیرون می آید آراء آنان نیست. و بعینه دیدند که رژیم با تمامی های یوهی، با تمامی رجز خا نهای تا چه حد ترس تا چه حد وحشزده و تا چه حد زبون است. توده‌ها در پیس با ریگاره‌ها، خیابان بندها و سنگرهای رژیم صورت هراسان و رنگ پریده‌ها را دیدند. توده‌ها در عمل انتخابات را تحریم کردند.

حال بگذا رژیم که شکست مفتضحانه خود را بکبار دیگر تجربه کرده است. استیصال هر قدر که میخواد در و غهای تبلیغاتی بی همسایه، بگذا رتا میتوانندوقیحا تبه دروغ بگوید، بگذا آراء میلیونی از - صندوقها بیرون بکشند، حتی سببش از انتخابات گذشته، بگذا رتا میتوانستند تقلب کنند و سخن از "ضورت همیشه بیدار در صحنه" برانند. علیرغم تمام این تلاشها و مذبحانه رژیم در انتخابات عمل شکست خورد. این شکست رژیم حتی برای توده‌های آگاه، نیز آنچنان روشن است که وقتی رژیم صحبت از شرکت گسترده مردم در انتخابات اخیر نسبت به دوره - قبل می‌کند، مردم با این دروغهای خا خا در می‌خندند، زیرا هیچکس صف‌های طولانی دوره گذشته را که بهیچوجه قابل قیاس با دوره اخیر نبودند قیاس موش نکرده است حتی یک تحلیل گریسای نیز کسسه خود مستقیماً "در صحنه حضور نداشته‌اند، بخوبی میتوان شکست رژیم را قلابی را نتیجه گیری کند. در این مسئله کمترین تردیدی نیست که رژیم جمهوری اسلامی در طول دو سال و نیم حیات خود جز فقر و نکبت شمره‌ای نداشته است. توده‌ها با گوشه‌ت و پوست خود طعم سیاهی استیصال را چشیدند و توهمشان نسبت به حکومت و خمینی بمیزان عظیمی فسر و ریخته است. توده‌ها طی این مدت نتوانستند بهیچیک از خواسته‌های اساسی خود دست نیافته‌اند، بلکه همچنان با فقر و فلاکت

بیکاری و بیکاری و بی‌خانمانی دست - بگریباندند، کارگران همچون گذشته مجبورند نیروی کار خود را در ازای مزد بخور و نمیری به سرمایه‌داران بفروشند و عرق جبین شان جیب سرمایه‌داران را پرتر کنند. دهقانان همچنان از حق تصرف زمین که رویشان کشت نمی‌کنند محرومانند و تحت ستم زمینداران و سرمایه‌داران و عوامل آنها قرار دارند. کسبه و پیشه‌وران کارمندان و سرپا زان و ... همه در خا خا خرابی غوطه و رند و وسط زندگی آنها همواره روبه وخت متناهد است. مردم از حق آزادی بیان و تشکل، حق فعالیت سیاسی، و ابتدا شریکترین حقوق دموکراتیک محرومانند، خلقهای ستمکش ایران و حبشانه سرکوب می‌شوند. نیروهای انقلابی و مبارزان دسته دست به جبهه‌های عدا میسرده می‌شوند و خلاصه رژیم دیکتاتور ارتجاعی جمهوری اسلامی ترور و خنثی را بعداً علاوه بر آنها است. توده‌ها تجربیات بسیاری را از انتخابات گذشته، بر فرا تدم و جمهوری اسلامی، انتخابات مجلس خبرگان، رفرا تدم قانون اساسی، انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی و وعده‌ها ید و زویش رژیم را تجربه کرده‌اند و وظیفه است که میزان اعتماد دو توهم آنها به حاکمیت در همان حد است که در انتخابات دو ماه پیش نشان دادند. زما شیکه خمینی میتوانست با یک دعوت میلیونی زحمتکش را به خیابان بکشانند دیگر سیری شده و با ریخ پیوسته است. این سرکشت همه مرتجعیتی است که بخلق پیش می‌کنند و در برابر حرکت تاریخی است. اگر در نخستین انتخابات ریاست جمهوری توده‌ها وسیع مردم در انتخابات شرکت کردند بدان - علت بود که هنوز توده‌ها بمیزان وسیعی نسبت به حکومت توهم داشتند. و شرا یط با لئسبه دموکراتیک بود و نیروهای انقلابی هنوز از امکان تبلیغ وسیع بر خود را می‌دیدند. اما امروز که این توهم توده‌ها به حاکمیت در هم شکسته است، و جز اپورتونیست تقریباً تمام سازمانها و شخصیتها سیاسی اپورتونیست انتخابات را تحریم کردند و در عمل نیز نشان دادند. شکست تمام دوسمی از توده‌ها در انتخابات شرکت نکردند، با این وجود رژیم با قاطعیت تمام که کار رژیم جمهوری اسلامی، با رکوس‌ها، پنبیوشه‌ها، رایا مهرها و امثالهم است حتی تا آنجا پیش رفته است که بنظر میرسد تمام شرکت کنندگان در انتخابات از - و اجدین شرایط نیز بیشتر باشد. از انتخابات مصحک و فرما پیشی که بگذریم، به بی آمدها و نتایج این انتخابات می‌رسیم. با انتخابات دوم مرداد، حزب جمهوری اسلامی بعنوان حزب حاکم تمام ارگانهای اقتدار دولتی را در دست گرفت و با گماشته شدن رجا شای بعنوان رئیس جمهور و تکمیل قبضه‌ها کل مجلس ارتجاعی اکنون همایه‌های قدرت - دولتی را در اختیار خود گرفته است. از این پس تلاش حزب در جهت بهبود موقعیت داخلی و بین المللی آن مصروف خواهد شد. در سیاست داخلی، حزب تلاش خواهد کرد که با حل بحران سیاسی موجود و با سازی نظام قلمدادی موجود، موقعیت داخلی خود را تثبیت و مستحکم کند. حزب تنها - شیوه راه حل بحران و نجات خود را در - توسل به سرکوب و دیکتاتور، ترور و اختناق یافته است. اینک حزب با دست داشتن تمامی ابزارهای سرکوب با چشماندا زما له بهما شای در جنگ و ممالحه با امیرالیمتها میروند تا سرکوبی سازمان یافته‌تر، بیکار چه تر و منسجم - ترا سازمان دهد و رژیم ترور و اختناق را بنحوی گسترده تر برقرار سازد. شرایط سیاسی موجود همچرا دیگری را در مقابل حزب قرار ندهد است. یا با یدبا تک - سرکوب و اختناق موقعیت خود را مستحکم

لایحه احزاب در کنار رژیم جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۱

مردم در موقعیت ناراضی و اعتراض - عمیق بسر بریده و نیروهای انقلابی به مبارزه خونین و حماسه آفرینی علیه رژیم دست یافته اند، و از سوی دیگر حاکمیت که فاقد نیست بر بحران غلبه کرده و نظم دلخواهش را برقرار کند کوشش میکند با اعدای داخلی دست جمعی و روزمره انقلابیون دستگیریهای یکپرو کرده مردم خانه کردیهای گسترده، تعطیل نما روزنانه های غیردولتی، ممنوعیت فعالیت تمام گروه ها و احزاب بجز حزب جمهوری اسلامی، مردم را مرعوب کرده و زمینه برقراری نظم را فراهم کند. در چنین شرایطی است که رژیم میخواهد به تمام اقدامات ضد خلقی اش - جامه عمل بپوشاند. آنچه وظیفه مجلس سبسی اعتبار در این اوضاع و احوال است تصویب رسا شدن همه طرحها و لوایح مردمی است که در این کمیسیونها مانده بود و تا لایهترین فرصت برای رژیم است که آنها را بتصویب برساند. بی جهت نیست که در این شرایط برای آنکه نتواند حدنصاب لازم برای تشکیل جلسه (یعنی ۱۸۰ نفر) را داشته باشد این الله خمینی و هاشمی رفسنجانی به همه نمایندگان - التیما تودا! دندنگه اگر در مجلس حاضر نشوند چنین و چنان خواهد کرد و با این تهدیدها نمایندگان زبون و ترسو بیچاره مجلس نظیر بزگان ها که طغی غلامیه ای اعلام کرده بودند "تا وقتی شرایط ضروری و حجت بر مجلس حاکمیت عدد در مجلس حاضر نخواهد شد" تا یک "تشدت از یاد در ارتز در مجلس شرکت کردند. و حزب سعی کرد - برای کسری نماب نمایندگان حتمی رخصی ها را هم با ناکار به مجلس بیاورد! در یک چنین جواختنایی و با یک چنین برتا مریزیهایی است که طبر - ارتجاعی، ضد مومگرا تیک و ضد خلقی فعالیت احزاب بتصویب مجلس میرسد.

رژیم جمهوری اسلامی امسال را سال قانون نامنها دودارین نامگذارد ری نقشه ها داشت. او میخواهد نظم بورژواژیکش را با تدوین قوانین مناسب خودش یا بر جا کند. از این جهت او تصمیم داشت و دارد همه چیز را در چارچوب نظم و قانون خودش بکنجا نند و در این جهت هر چه را که در این چارچوب نگیرد خود را مجاز بداند. اما اجرای این برتا م در همه زمینه ها آنچنان آسان هم نبوده و نیست. زیرا پس از قیام، مردم نظم خود را به حاکمیت تحمیل کرده و غیرمخواستار او آزادیهای سیاسی نظیر فعالیت گروهها و انتشار نشریات و کتب را بزور به حاکمیت تحمیل کردند. از این روز رژیم از مدتها قبل با حمله به نیروهای انقلابی، محدودیت فعالیت احزاب، دستگیری نمایندگان و صدور اعلامیه های بی دریی دادستان - انقلاب کوشش میکرد زمینه را برای سلب حقوق سیاسی و اجتماعی گروهها فراهم کند.

مادرشماره های گذشته کار، طرح فعالیت احزاب را هنگامی که به مجلس ارائه شد، بطور مشروح مورد بررسی قرار دادیم. و نیازی به بررسی مجدد آن - نمی بینیم مضافاً اینکه، قانون تصویب شده، تفاوت ماهوی با طرح اولیه ندارد و

تنها میتوان گفت جنبه ارتجاعی آن تشدید شده است. همبفقد رسته می کنیم که این قانون عملاً "تسری بیال و دم و اشکی بنام گروه سیاسی ترسیم کرده و تصویری که از گروه سیاسی بدست میدهد در بهترین فرض گروهی خواهد بود دولتی و با تا شد کسند حکومت ولدا هیچ گروهی که تغییر بنیادین هدفش باشد و واقعاً "بسه" ما رکنیم و سوسا لیم علمی ممنتد با ند نمیتوانند در چارچوب این قانون وجود - علمی داشته باشند. و اینکه هدف این قانون نه تنها از محتوای کلی کردن تمام گروههای سیاسی است، بلکه شوراها، سندیکاها، انجمنهای صنفی مذهبی نیز مشمول مقررات ارتجاعی و ضد مومگرا تیک این قانون شده و فاش شده آنها خوانده شده است. و خلاصه اینکه گروه تحت ضابطه قانون احزاب ما نندموشی در قفس خواهد بود که تنها مرفتا روگردان رش زبرد به بین حاکمیت و دستگاها میمنتی اش فرار داشته و با بدبها رضا حب و ولیم منتتتش بر قصد!

نگاهی به قانون فعالیت احزاب - نشان میدهد که این قانون عکس بر سر - گردان قانون سیاه رضا شاه در مورد - احزاب است که هسال پیش در شرایط سرکوب نیروهای انقلابی و جنبش توده ای به تصویب رسید و هدفش تعطیل کردن تمام احزاب موجود آن زمان بود و نشانها و تانست تحت این قانون بمدت ده سال خیال کش از احزاب "مزاح" راحت باشد. از آنجا که سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در - هدف سرکوب خلق با رضا شاه همداستانند تصور کرده اند که تنها گذراندن قانون - است که معجزه میکند. آنها خیال خود با تصویب قانونی بنیابت ارتجاعی که دست کمی از قانون سیاه ۱۳۱۰ ندارد - آرزوی بیجا دگورستانی رضا شاه را در مخیله علمیل خویش گنجا نده اند. غافل از آنکه شرایط امروز ایران با شرایط هسال پیش تفاوتی زمین تا آسمان است. رضا شاه پس از یکدهه که سرکوب نیروهای انقلابی را به پیش برد و جنبش توده ای - پایان داد و ما نورا و فرمهای در زمینه از میان برداشتن سلسله قاجار که مورد تنفر شدید مردم بودند... انجام داد، آنوقت دست به تدوین قانون سیاه زد. در حالی که رژیم جمهوری اسلامی سر را از سرگشادش بدست گرفته و میخواهد در شرایط روبه اعتلای کنونی و در شرایطی که حدود هشتاد درجه با شرایط آنروز فرق دارد، قانون احزابش را به مردم تحمیل کند!

رژیم هنگامی که قانون احزاب را به تصویب رسانده و میخواهد آنرا بپا ده کند که توده ها همه قوانین رژیم را بزرگشال کشیده اند. توده ها نه تنها قوانین، بلکه خود مجلس "قانونگذار" را هم بزرگشال برده و با اعتمادی نداد رسد. وقتی مردم دیگر به مجلس حتی بمعاون مضحکه و تمایش همس توجهی نمی کنند دیگر قوانین آن جای خود را نداند. امروز اکثریت وسیعی از مردم به اعدای حکومتی نظیر ریاست جمهوری، مجلس، هیئت دولت، شورا، نگهبان با بی تفاوتی نگاه میکنند. آنها گسر اکنون فعالانه در جهت نفی و نابودی آنها حرکتی نمیکند و دولت اعتمادشان از این نهادها سلب شده است. امروز توده ها خواستار ربهودی وضع زندگی، رفع بحران اقتصادی، تامین آزادیهای اساسی، تامین حقوق و آزادی دموکراتیک برای اقشار خلق، آزادی فعالیت احزاب - و گروهها و شوراها و آزادی مطبوعات، -

نتایج انتخابات و...

بقیه از صفحه ۱۷
با زدیایا اینکه سرگون شود، و مطمئناً - حزب سیاست سرکوب آشکارا ادامه خواهد داد. اما در شرایطی که بحران اقتصادی ففروگرازی، وحدت نهادی اجتماعی و درگیریهای طبقاتی مدا م تنهید می شود، این سیاست سرکوب و اختناق، این سلب حقوق و آزادیهای سیاسی نمیتواند نتیجه ای جز تشدید بحران کنونی، اعتلا جنبش توده ای وحدت درگیریهای قهر آمیز را آورد. حزب جمهوری اسلامی جنگ داخلی را آغاز و بیخلق تحمیل کرده است. از این رو چشم انداز آینده، گسترش مبارزات قهرآمیز، عمده بودن اشکال مبارزه غیرقانونی و غیربازارمانسی و جنگ داخلی است.

در سیاست خارجی، رژیم جمهوری اسلامی پیش از پیش بمنظور فاش شدن بحران داخلی و بهبود موقعیت بین المللی خود به سوی امپریالیستها و زده بندهای آشکار و پنهان با آنها ادامه خواهد داد. زیرا یکی از اهداف رژیم نیز در انتخابات اخیر جلب حمایت وسیع تر و گسترده تر، و فعا لترا امپریالیستها بود. رژیم کوشید تا این نمایش به امپریالیستها نشان دهد که از نشات و اعتبار رگافی برخوردار است، هنوز توده ها از حمایت می کنند و بنا بر این لیاقت آزاد ار دکه از حمایت ریشیانی مادی و ممنوی امپریالیستها برخوردار گردد. از این رویا بدانتظار داشت که در این انتخابات شاهد گسترش برعکس روابط خارجی رژیم با امپریالیستها، تسریع عقد قراردادهای امپریالیستی، افزایش سریع ضربه های امپریالیستی و گرایش بیشتر سوسیال سرمایه گداریهای امپریالیستی باشیم. اما نه انتخابات ففلاسی و فرمایشی، نه سیاست ترور و اختناق و نه مساسات و روابط بدبکتربسیا امپریالیستها هیچک قانونیست رژیم جمهوری اسلامی را در برابر اعتلا جنبش توده ای و چشم انداز تشمیع و گسترش بحران سیاسی از سقوط حتمی نجات دهد. همان گونه که "سال قانون خمینی با حداثرین درگیریها، سرکوب و قهر و اشکال مبارزات غیرقانونی و قهرآمیز آغاز گردید - انتخاباتی که بقصد نشیبت با مطلاع "قانونی" حزب نیز صورت گرفت نمی تواند جزئی ثباتی، ثباتی و سرنگونی حزب جمهوری اسلامی نتیجه ای را در برده داشته باشد.

نشریات و کتب و با لآخره شرکت آزادانه در سروشت خویش هستند و ملی میداند که این حکومت و این مجلس و این شورای - نگهبان و این ولایت فقیه با این خواست ها با سخ نخواهند داد، و از این سروست که به راهها دیگری برای تامین چنین خواستهایی رهنمون میشوند. و در این میان رژیم به عبت میکوشد با تدوین قوانین نظیر قانون ارتجاعی احزاب و قاص و... موقعیت خویش را تثبیت شده جلوه گر سازد. رژیم با بدبندکسه تصویب چنین قوانینی کار رسیده است و قبل از آنکه حتی مردم از مضمون این قوانین مطلع شوند، این قوانین به با یگانی تاریخ برده شده است.

استقلال - کار - مسکن - آزادی

یادشدهای مرداد ماه گرامی باد

بناست خون من در دست کارگر / دانی است خون من در دست دروگر

مرداد ماه هرسال یادآور قهرمانی ها و حماسه آفرینی های فدائیان است که در راه لیاقت و سبک داری، پیشاپیش خلق دست به مبارزه مسلحانه با رژیم مزدور شاه زدند و خونشان خط سرخ شد که تا بهمن ۵۷ راه انقلاب را روشن بخشد و پس از آن نیز در راه مبارزه با امپریالیسم جهانی و پیگانه داری خلیفین مبارزه دادند و خواهند داد.

- ★ فدائی شهیدرفیق احمدزیبوم مرداد ۱۳۵۱
- ★ فدائی شهیدرفیق فریدون شافعی مرداد ۱۳۵۱
- ★ فدائی شهیدرفیق فرخ سپهری مرداد ۱۳۵۱
- ★ فدائی شهیدرفیق فرامرزشریفی مرداد ۱۳۵۱
- ★ فدائی شهیدرفیق مهدی فضیلت کلام - مرداد ۱۳۵۱
- ★ فدائی شهیدرفیق محمدصغاری آشتیانی مرداد ۱۳۵۱
- ★ فدائی شهیدرفیق عباس جمشیدی رودباری مرداد ۱۳۵۲
- ★ فدائی شهیدرفیق جها نبخش پایداری مرداد ۱۳۵۲

- ★ فدائی شهیدرفیق زین العابدین رشتچی مرداد ۱۳۵۲
- ★ فدائی شهیدرفیق غلامرضا با نواز مرداد ۱۳۵۲
- ★ فدائی شهیدرفیق عبدالله بیدختی مرداد ۱۳۵۲
- ★ فدائی شهیدرفیق حسین علی اللهیاری مرداد ۱۳۵۴
- ★ فدائی شهیدرفیق مرتضی فاطمی مرداد ۱۳۵۵
- پس از قیام مبارکوه بهمن ۵۷ نیز فدائیان خلق همچنان به مبارزه با امپریالیسم جهانی و پیگانه داری خلیفین در کنار خلیفین قهرمان میهنمان گام برمی داشتند و هم چنان نیز مورد کینه و عداوت وابستگان به امپریالیسم قرار داشتند. تنها در مرداد ۱۳۵۵ چهار رفیق فدائی توسط مزدوران رژیم جمهوری اسلامی ترور و کشته شدند.
- ★ فدائی شهیدرفیق یوسف کشی زاده - مرداد ۱۳۵۸
- ★ فدائی شهیدرفیق هرمزگرچی بیانیسی مرداد ۱۳۵۸
- ★ فدائی شهیدرفیق سعید میرشکاری مرداد ۱۳۵۸
- ★ فدائی شهیدرفیق ونداد ایمانی مرداد ۱۳۵۸

یورش به تجمع خانواده های زندانیان سیاسی جلوزندان اوین!

در پی موج سرکوب مزدوران رژیم جمهوری اسلامی که در دو سه هفته اخیر منجر به دستگیری و اعدام و ترور نیروهای انقلابی شد، جلوزندان ها و کمیته های مخصوص جلوزندان اوین تبدیل به مرکز تجمع خانواده های جوانانی شده است که از سرنوشت فرزندان مبارزان انقلابی خود بی خبرند. تا بحال چندین خانواده های که جلوزندان اوین جمع می شوند مورد یورش پاسداران و ضرب و شتم نهادهای قرار گرفته اند. این پاسداران مبارزان که زندانیان آزادیخواهان را با مبارزان - شده اند تا فریبستند حتی اطلاع دقیقی از وضعیت آنها در اختیار نگذاشته اند و پندران نشان قرار دهند.

روز بیستم تیرماه هنگامی که گروهی از فدائی جلوزندان تجمع کرده و خواهان اطلاع از وضعیت فرزندان خود بودند، گفته شد لیست اسامی زندانیان اوین را می خوانند، بعد از دو ساعت انتظار، پاسداری شروع به خواندن اسامی کرد و حتی با بی شرمی تمام اسم (عباس امیران نظام) را جزو اسامی مبارزان خوانده و زنده زنده زیر خنده و گفتند "اسامی جاسوس ها و ماواکی ها را نمی خوانیم، اسامی فرزندان ما را نمی خوانیم!" خانواده های که هنوز از سرنوشت فرزندان خود بی خبرند برای اعتراض به این وضع روز بیست و سوم به جلومجلس رفتند و تا ماهی به نما بندگان مجلس دادند، اعظم طالقانی با خانواده ها صحبت کرد و به تمام آنها "قول" رسیدگی داد. نتیجه اش این شد که روز بعد هیچکس را نمی گذاشتند از سرپارک وی وارد خانه جاده اوین خود! خانواده های که به جلومجلس رفته بودند و اکثر آنها که جلومجلس حرفی زده بودند موفق رفتن به خانه مورد تعقیب قرار گرفته بودند! از نمونه های وقاحت پاسداران - سرمایه کدر مقابل مردمی که با قدرت خود در زندان ها و از جمله زندان اوین را گشوده بودند و انقلابیون را آزاد کرده - بودند روز شنبه بیست و هفتم تیرماه اتفاق افتاد، در این روز جلوزندان بسیار شلوغ بود اما ملاقات نمی دادند. پاسداری آمد و گفت "اینجا تا بیست و دو الیاب رویستان می باشد" ما درستی گفت "اینهمه ظلم نکنید و گرنه مثل کجوشی سزای عملتان را می بینید" دویا سدا ریلقا صله دختر جوانی را که همراه این ما در بودید داخل زندان بردند. مردم زن مذکور و دختر دیگرش را در بین خود بینا دادند. اما بعد از مدت کوتاهی پاسداران دوباره آنها را یافتند ما در برابر آنها کتک و ضرب و توهین و بی احترامی جمع گرفتند و او را بدخل زندان بردند، پاسداران دیگری سخا اعتراضات مردم را با شلیک تیرهای هوایی دادند، یکی از مادران می گفت "بزنید، بزنید، دیر نیست روزی که دولت دوباره با دست خود ما را اینجا فرستد و شما را به سرنوشت ما وا بگذارد و زندانیان شاه گرفتار کنیم."

یادرفیق فدائی بهمن راست خدیو گرامی باد

نوجوانی با مبارزه آشنا شد و بتدریج به دادن آگاهی به دوستان زحمتکش خود پرداخت. ولی بخاطر تنگدستی و فشار زندگی مجبور بود که درس شانزده سالگی شبها به صید ماهی برآید و خسته روزها به تحصیل ادامه دهد. بهمن هنگامی که زاندارمهای شاه دستور ممنوعیت صدور اسلحه صادر کردند و سیلوان آتش می کشیدند در دل شبهای زمستان به نبرد امواج و طوفان دریا می شتافت تا برای امرارمعاش خانواده خود بیهوده صید ماهی بپردازد. از همان هنگام وی به مبارزه خود شدت بخشید. بعد از تمام تحصیل از خدمت سربازی فرار کرد و گفت: "رژیمی که طرفدار سرمایه داران خونخوار را شده چو قوت نیاید در استواری آن کوتاه بود. و برای پیش خدمت کرد." رفیق چندین بار تحت پیگرداسا واک و شهرستانی قرار گرفت که هر بار با هوشیاری او ناکام ماندند. در سال ۱۳۵۵ از دست ما موزان رژیم آزاد استار به تهران و از آنجا به مراغه گریخت. در جریان قیام به مبارزات سازمان جلب شد. پس از قیام به زادگاهش بازگشت و با روحی پاک و عزمی راسخ و با زبانی ساده به مبارزه خود ادامه داد. وقتیکه بنیاد مسکن در آستانه تشکیل شد و زمینها را بین اعضای حزب جمهوری



در روز دوشنبه اول تیرماه در جریان راهپیمایی هواداران سازمان در آستانه رفیق بهمن راست خدیو در یورش پاسداران سرمایه به راهپیمایان به شهادت رسید.

رفیق بهمن راست خدیو سال ۱۳۲۲ در یک خانواده کثرت ورز در محله ما هیجران بدنیا آمد. پدر بزرگ او در سال ۱۳۲۴ - توسط رژیم شاه دستگیر و در محله آبد (لرستان) و بندر عباس و زندانی و به تنگناری کشیده شد تا اینکه در زندان به شهادت رسید. رفیق بهمن نیز از ستین

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر